

ارضی شایسته معلوم و نه تنها بندگان بکبر اقدام نسبت یا دمیکنند ، بلکه اگر الهامی در لایب استقامت
 و پنهان و ... دانسته و میدانند ، لذا نسبت به در طلب حمایت چنین مجری ای بکنند و تکریم
 و تأیید بی‌شمار نمودند ، بلکه چنین سیستم و شخصی که بخواهد با اعلان ت ارضی که انی و غیره
 و انسانی که را به بیگانگان میسر نمودی (سره دار و وابسته را جانشین خودالیم - بزرگانی نامی) و
 استقامت و اعدای تو و طولانی تر و ... نماید و به باره سعادتمند و ... در حالیکه که بدست
 سواد و تربیت دست بدارن تا میدان و افرای شده که دست در زمین و منابع اخیر ، ارفق بخون
 فلسطین ، لبنان ، گرانادا ، اول سالوادور ، نیوا گوانا ... و غیره است ، و تلاش می‌نمایند تا در آنجا
 که به مستقیم یا غیر مستقیم ، در کمک با ستار حکومت قدون و سلطان غنی دفالت دانسته و دنیا بندگی
 قبله سعی در غنی کردن آنجا ، یعنی مردم کم در میان از مردم غنی و تلاش آنرا در رسیدن ، غیره
 در حمایت و پشتیبانی از آنجا بران قرار بگیرد تا با حقوق و کرامت آنها را اعلام ، آنهم نه در خبر
 نمودن ، بلکه در بعضی است عمی که در بعضی بازاران ندارد چای کرده و توزیع می‌نمایند ...
 در این بدینت قسمته از خبره بزرگ استیم که در همین بران است ، نقل نام : «امیرالیم در داخل جوفه است
 انقلابی که پیشی بر اصول حرکت میکنند ، البته افروداد در این اصول فکری سیر هر در اینان که در
 مراجع بزرگ استی قرار دارند معمولاً با علم کردن اصول ، اصول است که قرار می‌گیرد تا همه خبره
 در استقامت این نام مطلع نمودم که این خط نظیر خطوط قبلی ... استراستریکیم : ان که در اصل است
 دنبال می‌رود می‌رود ، یک خط لغزانی و بر خلاف اصول استراستریکیم و تکیه بر زمان بودن و بسیار
 چرا ؟

شماره توهم بزرگ ، بزرگ دولت وقت و کدرای ملی وقت و عدم موفقیتهای بر این امر ، بجز
 و بر این سیستم در یک و نه نیز بزرگترین گزینش ، و با آن که در آن چهره منعطف و نرم ، نه تنها هر
 و هر یکی ... ، استناد به تجربه کرد ، و در همین که از قضا است که این ، منطقی ، پس بر اینست که در
 ... را اگر نکرده و فایده نماند ، هم در است از حمایت مردم قدون و سلطان غنی ، هر یک از مستقیم و غیر
 غیر مستقیم بود است و نیز جدا کرد ، یعنی در مقابل پیر و خودی از زمان ، پس از انقلاب مردم ما بر
 برای غنی بوجود می‌آید ... یعنی جدا کرد ، که ما مستقیم دور ایلم ، امیرالیم بجز این
 بکنیم ، دانستیم ، باقی‌ماند که ما بر وضع غنی یک استیم ، که اگر بقیه استیم در اینک از مردم قدون
 از غنی خبر است ، ... که بزرگ ، دولت وقت ، و تلاش در جهت جلب و جذب بزرگ ...
 در این است چهره منعطف و منطقی ... و وقتی مردم از تقاد و موفقیتهای سبک در مقابل آنها
 و بر کرب زنده بودن چون در کشور غنی منقلب شد ، امیرالیم ...
 این راستا استی و بر جمله ابراهیمه است ...
 در این جا فزینت ، بگفتی ، با آنکه می‌تواند خبر از آن که از این نام می‌آید
 خطوط استراستریکیم (که در است ، در ایلم ، یعنی رفتار است در اینان است و نام
 وقت و ایلمه فرانسه هرمان با انقی ریاضه ایلمی ، در سیر و استراستریکیم ، که در سیر و استراستریکیم
 عضو شورای ملی است و وقت و زمانه در ایلمی ، می‌تواند سیر و که سیر و استراستریکیم ، با این نام
 برای دولت فرانسه فزینت ... در وقت مورد استناد از طرف بین و استراستریکیم ، مخصوصاً وقت استراستریکیم
 سیر و استراستریکیم ، و زمانه در ایلمی ، سیر و استراستریکیم ، در وقت این استراستریکیم

۳- تلاش برای برآیند شدن بزرگ شرق علیه جنبی و حزب سب آنا به حمایت از یک ایران کبریا و متحد از
 آذربایجان و کوهنوردان بی‌سختی ... « ... که تا بدین حد کشی ، حزب ایران است ، مال من
 انقلاب منسوب و البته با برکات است ... »
 به نظر که در بلا قسمی از « سیاست بین المللی » طرح مقدماتی سرحد سوم را نقل کردم . "حزب" و "حزب" از
 برای رسیدن بقدرت سیاسی از طرف هر طرف ، بدون استیسا به هر دو ، حال است . چون هر
 نیروی کوچک نیستند پس بیرون بزرگ را جذب بکنند ... اگر از یک ماه پیش طلب شده باشد
 حال پیشین هر دو در هم بود این به دست شده با آنها در کمیت ایران است (۱۸۰ در هر طرفش بوده و
 برای جنبی و سب "حزب" بزرگ شرق بجز من شروع را گفتند کرده و به به دنبال "حزب" و "حزب" از
 رفت و میرود ...
 به نظر که در آن برای جنبی و "حزب" به گفته و با نوشته ام ، کوشش با طرح سب و راست از برای
 تا جمع مختلف در نیمه سال و اندکی گذشته ، حدود ۸۵ تا ۸۰ درصد از نیروهای سازمان و تا
 تقریباً تمامی پارکها را در داخل گذشت داده ... که تبارگی شرق به غارت زنی و این پارکها
 در داخل کرده ... بطور خلاصه شدت دوم (اول و دوم) و در هر دو درون طرح مقدماتی
 مراد سوم و از دست دادن ۸۵ تا ۸۰ درصد نیروم و ... با یکدیگر در آن روزی که وقت تمام
 نکامی ... و انتقال کوشش منطقه که از دست داده در کمیت (اولان) که در نیمه قرون وسطای جنبی ...
 عین شدن صنعت از جنبی در دست تک کردن دوم ... زیرا که است سوال بقتن صلاحیت رهبری ... در دست
 در درون سگرا ... و حق تغییر کوشش در دست داده از او است عراق ... و به چشم "حزب" و "حزب" برای آنجا

آزاد به جنبی ... در رسیدن به نتیجه مطلوب و ادراک بین جنبی که با طرح سب و راست از برای
 رسیدن سب ... وجود خود در رهبری و فرد کمونیست کرده بود و این ... در نتیجه عدم قبول نهائی اصل مسائل جنبی و
 عدم پذیرش انتقاد و اتوار با بران و اشتباه ... و برای پذیرش انتقادات و رفع انتقادات و این
 شدائی واقعی از نیروی شرق و انقلاب ، تا این سگرا که از مقدماتی جنبی را در ... و این سگرا
 واحد جنبی مبارزه با ارتجاع و اسیر جنبی ... و با قطع کردن هر چه سرحدت در نیم قرون وسطای جنبی ...
 هم میانی به بر ضرورتی برای جنبی و خود را با سب در آن روز ، و با هر یک از آن سگرا و عیان خطوط
 ارتجاعی که سال از سازمان و هم سب از آن و هم خطوط سب ... و تلاش بکنند تا یک سگرا
 مقرر برای رهائی از جنبی است هر چه در گذشته و نوشته ، خلاص شد ...
 ولی این ادوات در هر دو برای ایران است و خود کمونیست ... تا برای غیر از این سگرا و سگرا در هر
 جنبی ، هم در بین خود کمونیست ، و هم در بین خود کمونیست ، و هر دو از آن ، نیروی انقلابی و شرقی
 ... و به سگرا سازمان ، هم به سگرا کرده و هر چه که روند ، اکنون حالت سگرا (مرکزیت سگرا)
 سب سب است که در با طلاق از سگرا که هر چه سب است و سب سب است بکنند ، سب است
 فرد جنبی سب شود ... که سگرا غیر از این برای این سب است سب سب است ...
 گذاشت به سب ، برای ترجمه انتقادات و اوزانات و بقتن راه نجات و فرج از جنبی ...
 لبراق ... سگرا شده یا بر سب روزنامه "اوپت" در گمان حزب حکام سب است و این (۱۳۰۰ و در سگرا ۱۳۰۰)
 روزنامه "سگرا" و بر سب روزنامه "اوپت" در گمان حزب حکام سب است و این (۱۳۰۰ و در سگرا ۱۳۰۰)
 و در سگرا سگرا سگرا سگرا ... و در سگرا سگرا سگرا ... و در سگرا سگرا سگرا ...

مخاطب و افراد را نسبت بکن ، و بین ترتیب خط از فتادن به این بر فرد می برانگاشتی را که نسبت به
 در سیر زندگی فرد به این ترتیب و در زیر این سیم میسر شود ، و چه نسبت از این سیم به همین
 بر فرد می سر نظر از فاشگاه طبقاتی آن در بعد از نگاه آن خود در آنجا معمولاً از سیم
 بر آنکه شدن نیروها از حول فرد و از دست دادن آن ها میسر است .
 ۵- عمده و فنی کردن تفادع برای خلاصی از ترس می و ترسید بکن تا کسی از فرد می نماند
 و جنبه ها و در آنجا مطلوب با طبیعت اصولی است . به این است که امانت و تعهدات با طبع اصولی
 برای حفظ امانت و خدمت رسیدن فرد یک بهای خاص فرد را دارند . و در این ترتیب سیم
 از دست دادن چیز نمی سبب شود .
 بیخود چوب چای می را از بار بیخ کرده و گاهی حتی در کوتاه مدت با شردن شدن میسر شود
 فریب نمی بیند و از سیم های ایام حضرت علی (ع) ترسیدند . مخصوص در سطوح پایین تر
 و بعضی مدید سازمان که اندازه کافی بر روح و جوهر تعهدات آگاه می نماند ، معمولاً
 تعهدات با طبع لبره اقیانوس با پذیرد با وظایف و تحریک می هم (هم از حد بی روی و در برخی
 موارد در راست روی) میسر می شود در این صورت چاره ای جز این نداریم که به عمده و فنی
 کردن تعهدات میسر است و با از حجت دادن به اصل طبعاً و حیرت از دست دادن فریاد
 در هم ، زیرا در دنیا همین و کسوس ، بلا فوره بدست آوردن هر چیز مستلزم از دست دادن
 چیزی جز بکن دیگر است .
 نه برای این در تعهدات که در این در است و میسر است و در این که از سیم را با طبع میسر

که سیم به فنی برای از سیمان بدون آن فعالیت تلاش کرد و می به حال بقدری ، چیزی و فنی است .
 در غیر اینصورت یعنی اگر اصل رفیع را به این ترتیب میسر می شود ، فردان را هم از دست
 جراحیم و از دست می سیم ها است و در این را بدست آوردیم .
 ۳- بر این و بهای اصولی و انقلابی خط برانگاشتی بر فرد در آنجا که نسبت به شخصی مطیع میسر
 با نظرد سیم در آنجا که بر فرد می سیم کنیم ، نه بهی و گام میسر می شود ، و سیم های همین بر فرد
 در داخل سیم سازمان انقلابی است . و در این سیم می سیم میسر می شود و در این سیم
 و در سیم و در آنجا که نسبت به شخصی می سیم میسر می شود ، یعنی نسبت به سیم میسر می شود
 که در این اصول است و سیم میسر می شود و در این حال که برای ما و سیم است این کل را در هر
 سیم می سیم میسر می شود ، به بر فرد می سیم میسر می شود ، و بهی لازم را برای آن سیم
 نیایم ، مخصوص که قبلاً ترسید داریم که ممکن است در سیم بر فرد می سیم میسر می شود
 سیم ، اصولی و درست منتظر آید ، در سیم می سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود
 را سیم میسر می شود ، با اصل با اصول است و سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود
 لبره سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود
 سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود
 سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود
 سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود
 سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود ، و بهی سیم میسر می شود

آنچه نقل شد از صفات پنج تن اعلیٰ و از آیات ۱۱ و ۱۲ از سوره که منقحی "بر کمال بیست" است
 ان الوفاء قدام الصدق ، و لا اعلم هبة اوقی منه ، و لا اعلم من هم کیف المرصع
 و لعله یبغی فی زمان قد اتخذ اکثر اهل العلم کعبه ، و نسبهم لاهل الجبل غیره الی حسن
 الحکیم ، ما لهم ؟ قائلهم اللهم قد میری الحول العلیب و هم الحکیم و دونه مانع من امر الله
 و نسبه فیدعوا رای عین بعد القدرة بحیث و یتنزه فرمتها من لاهریه لم فی الدین
 و ما توین رایتی است ، و من سیرتک به اراده و تراودت من بعد سیرتک ندانم ، و کفید به اراده و کفید
 یکن تکلیف ، و در زمان واقع شده ایم بیشتر مردم کن ، مگر را زوری منیدارند ، و نادانان است تراوی
 خوانند ، چه سود ، میرند دین مکن گفتن ؟ خدا این را بگوید ، استغفر زورک و کاروان راه صلح
 و چه سود هر کار را سیر اندر سبب استیم حیلیم بکار غیر در است که از دین خدا دور مانع می شود ، و
 دانیم حیل را دیده ردالت و قرآن کی بکار بردن آنرا دارد ترک تکلیف ، و کسبیم در دین از هیچ
 گفته من پاک ندارد فرست را از دست نداده و در هر کاری بکبر و حیلیم است اندازد

قطب ۱۱ ص ۱۲۳ و ۱۲۷ تاریخ البلاغ

۶۴ / ۸۱۸

www.xalva.com
www.ketab.com

résistance de leur part. Depuis le Conseil national de la résistance a démenti les rumeurs selon lesquelles Toudeh aurait souhaité le rejoindre. De même qu'il ne veut pas, comme l'ont dit certains, ouvrir ses portes aux petits groupes marxistes.

Quelles sont vos relations avec les Kurdes d'Iran et d'Irak?

Au Kurdistan iranien, nous collaborons avec le Parti démocratique du Kurdistan iranien (PDKI) qui est un de nos alliés au sein du CNR. A l'automne dernier, nous avons adopté un plan pour l'autonomie du Kurdistan dans le cadre de l'intégralité territoriale et de l'unité de l'Iran. Du côté irakien, nous sommes satisfaits de voir réglés les problèmes de l'union patriotique du Kurdistan avec le gouvernement irakien. Son leader, Jalal Talabani, m'a envoyé une lettre il y a deux semaines dans laquelle il condamnait Khomeini. Ses vues pour mettre fin à la guerre concordent avec les nôtres. Le 21 mars, pour la fête nationale kurde de « Now-Rouz » le gouvernement irakien a autorisé la tenue par l'UPK d'un meeting près de Sulaymaniyeh. Plus de 100 000 personnes se sont réunies pour assister à un discours de Jalal Talabani. Les conditions d'un règlement pacifique de la situation de la population irakienne kurde paraissent donc réunies.

Khomeini peut-il encore compter sur l'opposition chiite irakienne?

Depuis juin 1982, date à laquelle l'Irak a replié ses troupes et annoncé qu'il était prêt à négocier, Khomeini a constamment appelé la population irakienne et spécialement chiite à se révolter. Cela fait maintenant plus de vingt mois. Je pense que les chiites irakiens se disent : « Si l'Islam que tu nous proposes est celui que tu pratiques à l'intérieur de l'Iran, nous n'en avons pas besoin. » Nous mêmes, en tant que moudjahidin, nous avons combattu les forces irakiennes quand elles sont entrées en Iran. Mais depuis que l'Irak a pris position pour une solution politique, nous avons commencé notre politique de paix.

Est-ce la raison de votre rupture avec Bani Sadr?

Pour le CNR, le fond du problème n'est pas la question de la coopération avec l'Irak, c'est celle de Khomeini et de la paix. On a dit que l'étape sui-

۱- در مورد اقدامات رژیم نسبت به توده صحت دعوات چندان کنیده؟

۲- فکر میکنیم حزب بنیادین حزب کمونیست ایران برپا ندهد، او با ما به مبارزه برخیزد.

۳- همین شرکت کرد. همین وقت فدایست، اکثریت اعضای آنرا بودند. خدمتیرین و یا

۴- همی مقاومت از طرف آلمان، در شتیر کرد. آنرا موقع شمولان من مقاومت شتیر

۵- ما بر بانی توده نسبت به بنیادین بهر شتیر کردیم، از تایل کرده بود را تذب کردیم.

۶- همی (شورا-م) نیز فدا شد، آنقدر که بفر گفتند، در میان ضدای بودیم که

۷- کویک مدکسیر تکیاید.

۸- در اکتوبر با رهبران ایران در عراق چگون است؟

۹- در کورستان ایران، ما با حزب دمکرات کورستان ایران، که یکی از مهمترین در بلژن

۱۰- CNR است که ما را برکنیم. با این گذشته، ما طر من را در خدمت در کورستان در

۱۱- در هر یک تمامیت ارضی را تحت داریان بقویب کنیم. در جانب عراق، ما از این

۱۲- در بنیم ما نلی اتحاد و من برستن کورستان (UPK) با دولت عراق، عمل در شتیر،

۱۳- خند دستیم. رهبران، جلال طالبانی، در هفته پیش برای ما در فرستاد که در آن

۱۴- همین را مکتوم کرده بود. نظرات او در مورد فاش شدن به موجب با نظرات ما یکین است

۱۵- اما من، دولت عراق بلای من کویا، "نزدت" ما اجازه داد UPK مستقیم در

۱۶- نزدیک سلیمیه ترتیب دهد بیشتر از ۱۰ هزار نفر در این شرکت در سخنران جلال طالبانی

۱۷- در هم آمدند. بن بلژن بطور رسد شرایط برای یک راه عمل مکتوم آنرا اوضاع در مکتوم

۱۸- کرد عراق، مزاحم است.

۱۹- ۱- آیا همین من توانده هنوز مدتی ایزد بنیون شیعی عراق مکتوم کنیده؟

۲۰- ۲- از اردن ۸۲. تا میفر که عراق نیزه پیش را مکتوم خت ندهد و اعلام کرد آمانه مذاکره

۲۱- در باشد، همین پیوسته. از مکتوم عراق و بویژه شیعیان دولت کردیم قیام کنند.

۲۲- الان بنیته از ۱۰ ماهه از آن فرزندند. فکر میکنم شیعیان عراق به قدری نوسید: "آزاد سلوان

۲۳- که با پیشین در کنس، همان است که در داخل ایران اعمال کننند، به آن نیزه نداریم.

۲۴- ما خود را، بعنوان مجاهدین، وقتن نیزه در عراق وارد ایران شده بودیم، جلیبیم در

Les moudjahidin iraniens

écrivent à « la Croix »

■ Après l'interview de Shahin Fatiemi, directeur du journal Iran-Va-Jahan, publiée dans la Croix du 11 mai dernier, le Bureau des Moudjahidin du peuple (mouvement dirigé par Massoud Radjavi) rappelle que leur organisation « s'est constamment opposée à la présence des soldats étrangers, notamment des forces soviétiques en Afghanistan ». Par ailleurs, il précise que le Parti toudéh (PC iranién) a « collaboré avec le régime de Khomeini » contre eux et a même exigé l'extradition et l'exécution de Massoud Radjavi. Il rappelle également la position du CNR (Conseil national de la résistance) de ne pas collaborer avec ce parti.

بجای این که در ایران با « لاکروا » همکاری کند، در لاکروا مدتی را گذراند.
 بعد از آنکه مدت هفت ماه در آنجا بود، به دلیل مشکلاتی که در آنجا پیش آمد، به ایران بازگشت.
 در آن زمان که سازمان « همدان » با حضور سربازان خارجی، بمب‌های خود را در آنجا پخش می‌کرد، من هم در آنجا بودم. از طرف دیگر او (دکتر فاتیمی) توضیح می‌دهد که حزب توده، بر علیه آن « با اقدامات گوناگونی که کرده است » و حتی فداکاری کرده است و اعلام مسعود رجوی شده است. او همچنین یادآوری می‌کند که موضع CNR (شورای ملی مقاومت) چنین است: هرگز با این حزب همکاری نکنیم.

*** لیبیاسین ***

مخبره: « بعد از آنکه مدت هفت ماه در آنجا بودم، به دلیل مشکلاتی که در آنجا پیش آمد، به ایران بازگشتم. در آن زمان که سازمان « همدان » با حضور سربازان خارجی، بمب‌های خود را در آنجا پخش می‌کرد، من هم در آنجا بودم. از طرف دیگر او (دکتر فاتیمی) توضیح می‌دهد که حزب توده، بر علیه آن « با اقدامات گوناگونی که کرده است » و حتی فداکاری کرده است و اعلام مسعود رجوی شده است. او همچنین یادآوری می‌کند که موضع CNR (شورای ملی مقاومت) چنین است: هرگز با این حزب همکاری نکنیم. »

*** لیبیاسین ***

مخبره: « بعد از آنکه مدت هفت ماه در آنجا بودم، به دلیل مشکلاتی که در آنجا پیش آمد، به ایران بازگشتم. در آن زمان که سازمان « همدان » با حضور سربازان خارجی، بمب‌های خود را در آنجا پخش می‌کرد، من هم در آنجا بودم. از طرف دیگر او (دکتر فاتیمی) توضیح می‌دهد که حزب توده، بر علیه آن « با اقدامات گوناگونی که کرده است » و حتی فداکاری کرده است و اعلام مسعود رجوی شده است. او همچنین یادآوری می‌کند که موضع CNR (شورای ملی مقاومت) چنین است: هرگز با این حزب همکاری نکنیم. »

*** لیبیاسین ***

مخبره: « بعد از آنکه مدت هفت ماه در آنجا بودم، به دلیل مشکلاتی که در آنجا پیش آمد، به ایران بازگشتم. در آن زمان که سازمان « همدان » با حضور سربازان خارجی، بمب‌های خود را در آنجا پخش می‌کرد، من هم در آنجا بودم. از طرف دیگر او (دکتر فاتیمی) توضیح می‌دهد که حزب توده، بر علیه آن « با اقدامات گوناگونی که کرده است » و حتی فداکاری کرده است و اعلام مسعود رجوی شده است. او همچنین یادآوری می‌کند که موضع CNR (شورای ملی مقاومت) چنین است: هرگز با این حزب همکاری نکنیم. »

ایرانیان این سنگی را ناپدید اما محمود در محددیتهاک ایتامی صرفاً پیش در آمدی است برای انقلاب
 آینده که بعد از آن اذنیع به همان محددیتهاک مشید قبل باز فزاید گفت، در محدد یکماه دیگر ۲۰ میلیون ایرانیان بسیار
 صندوقهاک را فرزند رفت تا دهها انقلابات بوسید شوراک نگهبان وقتاً مورد تحقیق قرار فرزند گرفت
 کارشونک نگهبان این فرزند بد که ملاحظه و اعلان نه هی کسلی داد آمارگی فرد را برای انقلاب شدن
 اعلام بی دارند ادیبی کند. این انقلابات پارلمانی دوسین انتظارات است که از آنجا همبر اسلاف ایران
 ۱۹۲۹ تاکنون بگذاری شرنیستش ایرانیان بر این عقیده اند که این انقلاب است آینده ایران بویژه خط
 مشی حال اقتصاد آل را منتان فزاید داد یکی از گرمترین بختانی که در جهان سل گذشت در ایران بیان
 داشت این است که آیا ایران در جاهنگی با روح انقلاب خود طریق اصلاحات پیش گیرد یا سوسیالیستی
 قتیو بنیاد همبر اسلاف ایران ما ستر است، افلا فطبلان در مجلس شورای اسلاف ساسنگان
 زیاد دارند و معتقدند که زمینها مجدداً باید میان روستا میان قسم ستر و بازرگانی قادی در اختیار دولت
 قرار گیرد عناصر محافظه کاریت در باعد ایران بر این عقیده اند که ایکنند افکار میل سوسیالیسم و مارکسیسم
 و دهد و بنا بر این مندر اسلاف است تا این واقع فایده نیافت است همبر اسلاف ایران
 ناگزیر است هنرمند که سال از انقلاب است گذرید در این اندیشه باست که ملت چه سناک عقیدتی
 را اقتصاد خود بگزیند و تازمانی که در این باره تصمیم قاطعی اتخاذ نشود پیش فندی ایران
 از سیت مریاید گداری در کشور خود را مطمئن اساسی کند بیلدی از ایرانیان معتقدند
 که با این انقلاب عده بیشری از فاطلان منافع بازار به مجلس راه فرزند یافت و بر فی از مردم تبرلان
 از آن بیساک هستند که این او بیبیده دیگر از بعبده سنگتوری در اخلاقیا و رفتارهاک ایتامی
 باشد، اما التزیت مردم ایران تحت حکومت روحانیون پیشی گرفتار مشلا معاش روزانه خود هستند با
 اینکه سوزان تو دم بطور رسمی ۲۰٪ بر آورد شده است اغلب تحلیل گران تو دم را پیش از ۳۰٪ بر این رقم
 میدانند، اما پیشتر برانان ایران خود قادر نخواهند بود که اتومبیلی بخرند و یا آپارتمانی اجاره کنند
 و این مشلا اقتصاد که دولت ایران در آینده فندا با آن دست بگریبان خواهد یافت
 محضوماً التزل که در بینک فندا با حلق بلو دیگر ملیا و سوسی را آغاز کرده است.

صدای امریکا: کنگره خبر میدهد و التزیر
 ⊕ کنگره خبر دستر تهیه ر این ای سیم خبر میپوره

⊕ نزدیک تهران سوزش بارش شاه دادند حکومت سنا گرای فنی دهی هزار ایرانی آداده در پاریس
 پیاده گشتند، ایرانیان تبعیدی در نظر فرانسویان از بیداری بی طبعیه ادولانی هستند که ۵۰ سال

و نتوانند بپسین خود بازگردند که داد و در وقت سزای با این رفتار این با وجود اختلاف عقیده بی
سال گذشته با دکتر نجیب رهنما که در پیرودا دیده آئینده ایران را بوجود رضا پهلوی فرزند ۳۳ ساله
ش. عقیده بجهت دانستن آن معتمدان که رضا پهلوی بعنوان یک پادشاه مروطه تنوکی است که
تواند ایران را بعد از من را... تبعید بی دلیل و بی چونی بی صدر از این و نجیب فرزند سکرته و
تکلیف این پیرودان میخوانند که هر یک از جوانان پنهان شوند و با اینهمه نوشته روزنامه نیویورک
تا نیز که جوانان افواج سلطنت طبعان را به جنبش آورده و در میان بیانه رود و جمهوریخواهان
از پشتیبانی گرفته ای برخوردارند و دست رضا پهلوی جوانی بسیار جدیت که بیشتر او را
خود را در رباط یا تحت مراکتی میگردانند، اطرافیان او معطوف عده ای از آن تحصیل کردن
امریکا هستند، رضا پهلوی راهی نیابین گردیدهای مختلف برگزیده و از اظهار نظری سیاسی
اقرار میکنند، رضا پهلوی همین از تناس با خانواده سلطنت فروداری میکنند. ش. هفت
از طرف که غالباً در بعضی از آنها در کجای سلطنت بود در طول سلطنت برادرش
یک شخصیت قدرتمند باقی ماند، اکنون که پنهان از سقوط برادرش میگذرد در لوگ او و پسرش
گردید و شقیق است که ۵ سال پیش در پاریس بود یک فرد مسلح تا شانس بقتل رسید،
از طرف معتقد است که که از راهی ترفیقه در سال ۱۹۰۶ می نویسد و سلب جاست دولت
کار از ش. ه. سبب سقوط رژیم او و بقدرت رسیدن من فرزند ش. معذالک میگوید که عوامل
دیگری نیز در کار بود، شاید ش. و میگوید خود را با همه بیسی از جمله نیزه کند و این
از سبب اصطلاح بیان مردم ش. و او میگوید اشخاص ش. از بروج دادن خونت و ش. عمل
سبب ش. که تمام امور از دست برد و بگفته وی ش. می توانست از انقلاب جلوگیری کند اما
برای اینکار مجبور شد هزاران نورا در دنیا بپاشد، موعظه از او پیر شدند چرا این کار را نکردی
گفت من نمیخواستم دستم بخون مردم آلوده شود، او گفت من ترجیح میدهم سلطنت تلخ
دی فرزند مردم را هم نریزم. نیویورک تا نیز میگوید بیاری از سلطنت طبعان منافق هستند
نه ش. تقسیم به اقتضای از فرزند می کردند. قسین دتری هم از امریکا فراد میگرد، نه برای اینکه
ریکا از ش. پشتیبانی نکرد بلکه برای اینکه ظاهر آن مجولانه به فریاد کند، او معتقد است که
ش. و مکرم سقوط بود اما سقوط او بیسی از همه سبب صورت گرفت و سولیت این امر
بیشتر بعد از امریکا می باشد، بقول او امریکا فرس را از زیر پای ش. گفته یا بقول ایرایی
زیر پای او پیر است فرزند که است، سقوط کند، قسین دتری معتقد است اگر انقلاب عریانه

دسترته به مرمی رسید تاریخ ایران با آنچه که امروز هست بسیار تفاوت پیدا کرده است ولی در عوض
 خن بعبزان یک حاجی بیهان آمد و بعد مردم ایران دست به کوبیدند و آنگاه آن هم با اعتقاد
 بین دتوی امریکا با کاپی بر آیت الله خن از رژیم خن این کتبه را بر سر سنگینه، غرس
 عرض آنکه خن را محبتش را بگذارد با او معامله میکنه و روزنامه فیروز پرک تاریخ بیانرا به
 منبر نیاد درن مؤب به خن شد به تنی ننگه ای باشد که کلمه رهبران بعبدی ایران در ۱۳۰۶
 آن ترافق نظر دارند، نتیجی بگوید برای از جا کندن خن به روشک پیر سنگینه نیاز نیست،
 کافیت مؤب از خن فنت نمود، خن نه آنطور است که ماه هم دوام نخواهد آورد.
 ⊕ بخش دوم صدای امریکا بعبت یا رازیت قابل شنیدن نبود

www.xalvat.org
 www.KetabFarsi.com

مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با مجله عربی زبان "الدستور"

ولی نتیجه سیاسی، اجتماعی و نتیجتاً نظامی چنین عملی فوق‌العاده مهم است برای اینکه فکر نکنید که مبالغه می‌کنم آنچه را که به هنگام دیدار با طارق عزیز گفتم یا ناآواری می‌کنم. من گفتم که از این تاریخ به بعد خمینی نمی‌تواند پیروزی نظامی مهمی بدست آورد... و امروز ۲۰ ماه از آن تاریخ می‌گذرد. و این حرف درست از کار درآمد. هم‌چنین دیگران نیز بر صحت آنچه در این رابطه گفته بودیم، اطمینان یافتند چرا؟ زیرا ما به مردم خود رسانده و تفهیم نمودیم که اگر خمینی جنگ را ادامه می‌دهد، بخاطر ایران و منافع ایران و مردم ایران نیست، بلکه او می‌خواهد جنگ را فقط برای خودش ادامه دهد. و علت اصلی شکست خمینی و عدم پیروزی‌اش در حقیقت بطلت کبیود سلاح نیست و یا لاقبل کبیود اسلحه، دارای تاثیر اساسی نبوده و علت اساسی عامل سیاسی - اجتماعی است یعنی فقدان نیروی انسانی، زیرا ایرانیان اعتماد خود را نسبت به خمینی از دست داده‌اند.

در ماه ژانویه گذشته در داخل ایران هفتای برای صلح برپا نمودیم و یکماه بعد دولت عراق تقاضای ما در مورد قطع بمباران اهداف غیرنظامی را پذیرفت و هر کدام از اینها بر مردم ایران تاثیر (خاص خود را) گذاشت. هفتای که هم‌اکنون سازماندهی می‌کنیم نتایج بزرگتری خواهد داشت. اهمیت چنین فعالیت‌هایی را وقتی درک می‌کنیم که مسئله را بطور وارونه و معکوس بگیریم، یعنی اگر فرض کنید که مقاومت وجود نداشت و تمام این شهدا تقدیم نشده بود و با مقاومت دارای مشروعیت انقلابی نبود. و این فعالیت روزافزون بخاطر صلح انجام نمی‌گرفت. در چنین حالتی اختلاف چشمگیر را خواهیم دید. لیکن ما طبق وظیفه تاریخی خود در قبال مردمان عمل نموده و اتهاماتی که خمینی بنا می‌زند را نادیده گرفتیم. می‌توانم امروزه به همه بگویم که رژیم خمینی بی‌ثبات و بی‌آینده و محکوم به شکست است. و ما امروز بیش از نصف راه پیروزی را طی کرده‌ایم، راهی که بر از خون است ولی این بهای آزادی است که ما می‌پردازیم.

سوال: فرض کنیم که خمینی در برابر این تنگنایی که

راه‌گیری از آن وجود ندارد تصمیم بگیرد برای به عقب انداختن فاجعه، انتخابات آزادی در کشور انجام دهد و نوعی از آزادی را مجاز نماید، آیا در آن صورت تصمیم می‌گیرید که به ایران بازگردید؟
جواب: آیا شما در سوال خود جدی هستید؟ تنها راه حل در برابر او قبرستان است و نه بیشتر...

سوال: در اسنادی که از سوی شما منتشر شده ملاحظه کردم که شما دارای روابطی با گروه‌های متعدد عربی هستید، شما این روابط نزدیک را در حالیکه یک سازمان انقلابی می‌باشید چگونه تفسیر می‌کنید؟
جواب: شما بایستی لیست افرادی که از ما پشتیبانی کرده‌اند را در کنار لیست طویل شهدا و عملیات نظامی‌مان و وسعت پایگاه تودم‌های و قدرت تشکیلاتی و همچنین بحران‌های خمینی قرار دهید. همه اینها را در کنار یکدیگر بگذارید تا آنگاه شناخت و فهم ماهیت این روابط برایتان روشن و آسان گردد. ما احساس رضایت زیادی می‌کنیم زیرا موفق شده‌ایم برسمیت شناختن حق مردم ایران برای صلح و آزادی را بدست آوریم. مردم ایران با ایزدترین فرزندان خود را در عملیات و مبارزات گوناگون فدا می‌کنند، و مسلم است که بایستی جهان این مبارزه و این حق را برسمیت بشناسد، تعجب‌آور وقتی است که جهان این امر را برسمیت نشناسد. ما نمی‌توانیم حقیقت و واقعیت را بپوشانیم. من از شما سوال می‌کنم آیا مقاومت دیگری در جهان مشابه مقاومت ایران وجود دارد؟ هم‌چنین بایستی فراموش کرد که ایران در یک موقعیت استراتژیکی (بسیار حساسی) قرار گرفته است که سرنوشت صلح جهانی به سرنوشت آن وابسته است. اگر ایران منفجر گردد تمام منطقه منفجر گشته و نقشه سیاسی‌اش تغییر خواهد نمود. در نتیجه قبول ایران دکراتیکی که خواستار صلح و آزادی باشد در دراز مدت بفتح همه جهان بوده و برای همگان مفید خواهد بود. مسئله دیگر اینکه من گفتم ما سازمانی انقلابی هستیم، آری ما سازمانی انقلابی هستیم ولی نه از نوع ویرانگر و تروریستی و متجاوز و نه از نوع خمینی، بلکه باین اعتبار که ما دارای آینده‌ای تاریخی که ترا بردوش‌های خود حمل می‌کنیم؛

می‌باشیم. ۳ روز پیش ما گرامیداشت بیستمین سالگرد تاسیس سازمانمان را جشن گرفتیم، ما برضد دو رژیم سرکوبگر مبارزه کرده‌ایم و همچنان مبارزه‌ی خود را ادامه می‌دهیم، سرفراز و مستقل در مواضعمان با تمام ایمان و ثبات ایستاده‌ایم و ثابت نموده‌ایم که می‌توانیم مسائل و مشکلات خودمان را حل کنیم ولی اینکه می‌انقلابی می‌باشم به چه معنی است؟ این سخن بدان معناست که ما خواستار ایرانی آزاد، مستقل و شکوفا می‌باشیم. رنج‌هایی که ما مردم ایران از جنگ برده‌ایم کافی است. ما می‌خواهیم در صلح داخلی و خارجی زندگی کنیم. ما نمی‌خواهیم در امور داخلی دیگران دخالت بکنیم. تنها خمینی است که تروریسم را برای حفظ رژیمش صادر می‌کند زیرا از حل بحران‌های ایران ناتوان است. و به همین دلیل خمینی نیروهای انقلاب ایران را که برضد شاه مبارزه نموده بودند یا به چوب‌های دار آویخته و یا به جبهه‌های جنگ می‌فرستد. ولی ما این چنین نیستیم زیرا می‌توانیم مشکلات جامعه‌ی ایران را که ۶۵٪ آن جوانان کمتر از ۲۵ سال هستند حل کنیم. اگر ایران آزاد، مستقل و دوستدار صلح را پذیرفتید، ما خواستار جنگ با هیچ کس نیستیم و سعی داریم با همه در صلح باشیم. به همین جهت ما نمی‌توانیم جدا از جهان زندگی کنیم. بایستی روابط برابری با همه برقرار کنیم و در هر حال ما دائماً بر استقلالمان اصرار می‌ورزیم.

سوال: همچنان که گفتید ایران دارای موقعیت استراتژیکی می‌باشد و شما الان مهمترین سازمان مقاومت در ایران هستید و مسلماً کشمکش‌های بین‌المللی چنین خواست استقلال طلبانه‌ی را از طرف شما تحمل نمی‌کند، بنابراین آیا این امر مانعی در برابر قدرت یافتن شما در ایران نمی‌باشد و آیا شما تماس‌های مستقیم با اتحاد شوروی و یا ایالات متحده‌ی آمریکا دارید؟

جواب: قبل از هر چیزی، اولین درسی که هر مجاهد فرا می‌گیرد، درس استقلال است. در مورد مسئله استقلال که مورد سوال شماست برای ما در این مورد هیچگونه فرقی وجود ندارد. چه استقلال نسبت به پاکستان باشد یا ترکیه، عراق، اتحاد شوروی و یا ایالات متحده‌ی آمریکا این برای ما یک

اصل است. مجاهدین بدون استقلال نمی‌توانند مجاهد باشند. اگر استقلالمان را از دست بدهیم، این همه فداکاری‌ها چه می‌شود؟ هم‌چنین در برابر ما هیچ انتخاب دیگری جز استقلال وجود ندارد. آیا برای قدرت‌های بزرگ بهتر نیست که دست برداشته و در ایران آتش‌بس اعلام نموده و ما را بحال خود بگذارند؟ ما معتقدیم این حق مردم ایران است، و مردم ایران قادرند، از استقلال و آزادی برخوردار باشند. در مورد سوال شما راجع به تماس با اتحاد شوروی و ایالات متحده‌ی آمریکا، تاکنون ما هیچگونه تماس رسمی نداشته‌ایم. با آنکه شورای ملی مقاومت و دولت موقت بعنوان حکومت در تبعید حق خود می‌دانند که بعنوان یک حکومت واقعی رفتار و عمل نمایند. برایتان یادآوری می‌کنم که این دولت طرح صلح با عراق را امضاء نموده است. با این حال ما قبل از هر چیز از این امر استقبال می‌کنیم که قدرت‌های بزرگ بی‌وزنه استقلال و آزادی ایران و عدم دخالت در امور داخلی ما را محترم بشمارند.

سوال: اکنون به دیدار علی خامنه‌ای از سوریه و لیبی و الجزایر بعنوان اولین دیداری که رئیس جمهور ایران از سوریه می‌نمایند باز می‌گردیم، بخصوص تصادفی نیست که ترکیب هیئت همراه او نشانگر چیزهای جدیدی است تفسیر شما از این دیدار چیست؟

جواب: این دیدار در حالی پایان یافت که ایران در موضع ضعف است و به نظر من به نتایج مهمی نخواهد انجامید، خمینی که از اسرائیل اسلحه گرفته و به تماس‌هایش با اسرائیل ادامه می‌دهد، می‌خواست با این دیدار، برادران عرب را به عنوان اینکه ضد اسرائیل می‌باشد بفریبد. این دیدار او به هدف بدست آوردن کمک‌هایی جهت ادامه‌ی جنگ صورت گرفت. ولی فکر نمی‌کنم برای تحقق این هدف موفقیتی بدست آورده باشد. این امر برای رژیم و همچنین برای ما خیلی مهم است. زیرا موضع اعراب نسبت به ایران دارای اهمیت و موقعیت خاصی است و به همین جهت دائماً نامه‌هایی به رهبران عرب فرستاده‌ام (و به خاطر می‌آورم که الدستور بعضی از این نامه‌ها را منتشر کرده است) برای اینکه از آنها بخواهیم از پشتیبانی رژیم خمینی دست بردارند. زیرا این رژیم بی‌آینده است.

رابطه‌ی خمینی و یا خامنه‌ای با فلسطین چیست که آنها از آن صحبت می‌کنند؟ آیا آنها تمام این توطئه‌ها را برضد یاسر عرفات به اجرا در نیاوردند؟ آیا آنها پول‌های زیادی برای نابودی انقلاب فلسطین نیرداخته‌اند؟ این مسخره‌بازی‌های خمینی را هیچکس باور نمی‌کند، مگر کسانی که از قماش خود او باشند.

سوال: ماهیت روابط شما با لیبی چگونه است؟

جواب: ما هیچگونه رابطهای با لیبی نداریم.

سوال: حتی قبل از سال ۱۹۷۹؟

جواب: آن زمان من در زندان بودم و سازمان ما هم دارای روابطی با لیبی نبود. گروه کوچکی در درون سازمان ما وجود داشت که پس از آنکه از پشت به ما ضربه زد و باصطلاح مارکسیست لنینیست گردید، از ما جدا شد. اگر این گروه دارای رابطهای با لیبی بوده من از آن خبری ندارم. نکته‌ی اساسی که وجود دارد این است که قبل از هرگونه رابطهای بین ما و هر گروه و کشور و یا حزب، طرف مقابل بایستی جنایات خمینی را محکوم نموده و رسماً مقاومت ایران را که مقاومتی است مشروع، برسمیت بشناسد. شما ما را با گروهی کوچک و یا سازمانی مبتدی مقایسه نکنید. سازمان ما ۲۰ سال پیش تاسیس شده و دارای تاریخ و پیشینه‌ی مبارزاتی می‌باشد.

سوال: صادق طباطبائی مخفیانه به پاریس آمده بود و ما گمان می‌کردیم برای مذاکره جهت بهبود روابط ایران و فرانسه آمده است. ولی روشن شده که او برای معامله جهت اخراج و تحویل شما به ایران به پاریس آمده است. آیا در این باره توضیحی دارید؟

جواب: اولاً این خود دلیل این است که رژیم، مجاهدین را برای وجود خود خطرناک می‌داند و ثانیاً معلوم بود که خمینی در این تلاش خود موفق نخواهد شد. فرانسه، ایران تحت حاکمیت خمینی نیست و فکر می‌کنیم فرانسوی‌ها به حقوقی که در قانون اساسی کشورشان ثبت شده احترام می‌گذارند. آنها از اوضاع داخلی ایران نیز مطلع بوده و بخوبی نسبت به آن آگاهی دارند. همچنین من در اینجا چه می‌کنم؟... من به قوانین این کشور احترام گذارده و هیچ اقدامی که با قوانین فرانسه مخالفت داشته باشد نکرده‌ام. بقیه در صفحه‌ی ۳۷

مصاحبه با مجله "الحوادث"

بخیه از صفحه ۴۷

فی المثل سال گذشته، مجلس خبرگان که باید جانشین خمینی را را برای بعد از مرگش تعیین کند برگزار شد. اصلا تعداد قلیلی از روحانیون به این نمایش لبیک گفتند. حتی برخی روحانیون که در گذشته خیلی به خمینی نزدیک بودند امروز دیگر فهمیدماند که این جنگ تنها برای حفظ قدرت است. از هنگامیکه ما مقاومت خودمان را آغاز کردیم تاکنون رژیم خمینی بین ۸ تا ۱۰ هزار تن از ابادی خود را از دست داده است.

سوال: در صورت مرگ خمینی، اپوزیسیون با رژیم او چگونه رفتار خواهد کرد؟ به عبارت دیگر آیا مبارزه و اختلاف شما با اشخاص است و یا مخالفت با یک رژیم سیاسی و تمام نهادها و روشهای آن؟ جواب: میان ما و رژیم کنونی درپاشی از خون وجود دارد لذا به این سهولت نمی توان از آن گذشت، خیر، مسئله تنها مخالفت با اشخاص نیست...

تاکنون ۴۰ هزار شهید دادیم و یکصد و بیست هزار تن در زندانها هستند. کشور در فقرت کامل بسر می برد، تمامی جنایات با نام اسلام اعمال می شود، حتی کودکان شیرخوار بازمانده از مادران شهید به زندان برده شده اند، دانش آموزان از مدارس بمیدان های مین فرستاده می شوند... پیش از نصف مسیر پیروزی را طی کرده ایم و در کوتاه مدت خواهیم رسید.

سوال: تا به کجا و چه آلترناتیوی برای سرنگونی رژیم دارید. گفته می شود آنچه که در ایران جریان دارد، گسترده تر و وسیع تر از یک درگیری میان یک حکومت و اپوزیسیون و هوادارانش است. گفته می شود توطئه های بزرگی برای تغییر وضع جغرافیایی ایران در کار است که تجزیه ای مناطقی را که از نظر مذهبی قابل تفکیک است در نظر دارد، بطوریکه در ایران زلزله هایی از قبیل آنچه در لبنان آغاز شده، در شرف وقوع است. آیا شما برنامه ای دارید که خلا بعد از سقوط رژیم را پر کنند، درست بودن این تمرکات را تأیید می کنید؟

جواب: من بطور رسمی از توطئه ای که بخواد مناطق ایران را به دولت های کوچکتر تجزیه کند مطلع نشده ام اما اگر مقاومتی که بتواند خلا بعد از سرنگونی رژیم را پر کند وجود نمی داشت، در شرایطی که در کشور ما اینهمه تشنت و بحران وجود دارد، با نظر شما موافق می بودم. اگر چنین مقاومتی نبود نتیجه ای منطقی آن می توانست

قطعه قطعه شدن تمامیت و حلقه وصل های این مبین باشد. من این مقاومت را تنها محور و ستون فقرات آینده ایران - وطن واحدان - می دانم. اگر رژیم خمینی می توانست برای درازمدت در قدرت بماند، البته نتیجه ای آن باز هم برای کشورمان این می بود که هر منطقه ای در مسیر گریز از ویرانی و خرابی و ظلم و ستم بیشتر به تجزیه بگردد.

سوال: برنامه ای شما در شورای ملی مقاومت چیست؟ و برای برگردن این خلا، خطری چه آمادگی هایی در نظر گرفته اید؟ جواب: شورای ملی مقاومت برنامه ای استواری تهیه کرده که پس از سقوط رژیم کنونی در برابر همه ی خطراتی که بدان اشاره کردید به اجرا در خواهد آمد. اولین مرحله انتقال حکومت به مردم است. نخستین وظیفه ی دولت موقت برگزاری انتخابات آزاد در کشور برای تشکیل مجلس موسسان می باشد. بعد از انتخابات مجلس موسسان، دولت موقت استعفا خواهد کرد و انتخاب دولت جدید را، در اختیار نمایندگان منتخب مردم و به مدهی مردم خواهد گذاشت. این آلترناتیو (شورا) مورد شناسایی و حمایت سیاسی بیش از ۲۰۰ حزب با جریان سیاسی در سراسر جهان قرار گرفته است، اعم از سوسیالیست ها و دمکرات ها و لیبرال ها...

سوال: درباره ی برنامه شان در قبال تجزیه و تفکیک (ایران) مطلبی نگفتید؟

جواب: شورای ملی مقاومت همان محور توانمند و مقتدری است که کما و کیف قادر به حفظ تمامیت و وحدت خاک ایران است. گفتم که اگر این محور نبود خلا سیاسی بزرگی ایجاد می شد. یکی از مهمترین و اولی ترین مسائل در برنامه مان پایان جنگ موجود بین ایران و عراق است. با عراق درباره ی طرح صلح توافق کرده ایم و در همین رابطه برای برقراری صلح عادلانه برای طرفین با نایب نخست وزیر این کشور دیدار کردیم.

سوال: این طرح چه تفصیلی دارد؟

جواب: اولاً آتش بس فوری، سپس کشیدن نیروهای ایران و عراق به پشت مرزهای بین المللی و عمل کردن بر طبق توافقنامه ی سال ۱۹۷۵ الجزایر، تبادل اسرا، برآچه به دادگاه بین المللی برای غرامت جنگی ایران، طرفین همچنین نظارت ناظران بین المللی را در

دشمن خمینی نظاره می کند

و در انتظار است

The Globe and Mail
WEDNESDAY, JULY 11, 1984

Khomaini foe watches and waits

مدت کوتاهی از زندگی آزاد و فعالیت های فشرده، تا زمانی که خمینی اقدام به یک اختناق گسترده تری نمود برخوردار بود.

آقای رجوی و مجاهدین خلق اظهار می دارند که آنان در جستجوی یک ایران آزاد و دمکراتیک هستند که در آن یک دولت موقت که توسط آقای رجوی اداره می شود در ظرف ۶ ماه انتخابات را برگزار خواهد نمود. آنان بیان می دارند که خواستار دیدن یک (جمهوری) دمکراتیک اسلامی و ملی ایران هستند. البته اسلامی که در آن آزادی های فردی تضمین شده باشد.



Massoud Rajavi

تنها دلیلی که خمینی اقدام به آخرین تهاجمش، که برای مدت مدیدی معوق مانده، نکرده است این می باشد که او دارای نیروی انسانی کافی جهت این کار نمی باشد. گفته می شود که ۵۰۰/۰۰۰ تن برای جبهه جمع - آوری گشته اند اما من می توانم تعداد دقیق آنرا که ۱۹۶/۰۰۰ می باشد، به شما با اطمینان بگویم. او که کت و شلوار بورمه ای راه راه با باند آبی رنگ بدون کراوات پوشیده بود، صدای بسیار آرامی دارد که تجزیه های سختی را که در زندگی اش از سر گذرانده پنهان می سازد. او در سال ۱۹۷۱ توسط پلیس محمدرضا شاه پهلوی دستگیر شد و همراه با رهبران دیگر مجاهدین خلق به اعدام محکوم گشته بود.

در نتیجه ی فشارهای بین المللی، حکومت او به زندان ابد تقلیل یافت. اما تمامی همزمانش اعدام گشته و او تنها باقی مانده ی رهبری (اولیه ی سازمان) می باشد، او مکرراً شکنجه و چندین بار به مرگ نزدیک گشته است. او در سال ۱۹۷۹ بعد از سرنگونی شاه، آزاد شده و برای

تذکر: مصاحبه ی حاضر با سرویس اخبار "بزرور" در لندن انجام شده که در اینجا کوتاه شده ی آن از نشرتان می گذرد. مسعود رجوی، رهبر ۲۵ ساله ی تنها سازمانی که هنوز مخالفت دقیقی را بر علیه حکومت آیت الله روح الله خمینی در ایران ابقا می کند، از لندن دیدار نموده است. این قسمتی از مصاحبه ی او به نمایندگی از سوی مجاهدین خلق ایران برای بدست آوردن حمایت های بین المللی برای ابتکارات و طرح هایش بخصوص شناساندن خودشان در دایره ی (سازمان های) لیبرال و چپ، به عنوان جانشین مسلم آیت الله خمینی می باشد.

در مصاحبه ای آقای رجوی اظهار نمود که دور پایانی کار آیت الله آغاز گشته است. " او در گرداب بحران های نظامی و سیاسی فرو رفته است. صبر رژیم او بهمه چیز: ترور داخلی، جنگ خارجی و درآمد نفت بستگی دارد." آقای رجوی معتقد است که آیت الله خمینی در رابطه با جنگ در وضعیت بدی قرار دارد. " او اقدام به شش رشته تهاجم نموده و در شامی آنان شکست خورده است. او از جنگ به عنوان سرپوشی بر بحران ها و جهت انحراف از جنگ داخلی ایران استفاده می نماید. اما در ایران جنگ هر روز منفرتر می گردد.

آقای رجوی با کمک نقشه های مفصلش، که از طریق هوادارانش در نیروهای ارتش تهیه گشته است، اظهار می دارد که گاهی وقت ها آنها (رژیم) می توانستند تا ۱۰۰/۰۰۰ تن را هم برای جبهه بسیج نمایند ولی امروزه قادر نمی باشند که حتی ۵۰ تن را هم در برخی شهرستان ها جمع آوری کنند. ۱۰۰ هزار مشمول غایب در کشور موجود می باشد و

کثیری مراحل تحقق صلح خواهند پذیرفت.

سوال: آیا این شورا دارای طرح هایی که اصل خود مختاری برای دیگر ملیت های ایران را جهت مانعیت از جنگ های داخلی که ممکن است شعله ور شود و صلح نوپا را مورد تهدید قرار دهد، نیز دارای می باشد.

جواب: بعنوان شورای ملی مقاومت، شورا ای که وجود خود را با شعارهای آزادی و

مسائل و امور داخلی ما پاسخ می دهد. ما امیدواریم در کشور همسایمان عراق نیز اصل خود مختاری که برای آن در حال مذاکره بودند، پیاده شود.

(متن مصاحبه با نوار اصلی مطابقت داده شد. این مصاحبه که در اینجا قدری کوتاه شده در ۱۴ تیر ماه گذشته در لندن انجام گرفته است.)

صلح (چه صلح خارجی و چه صلح داخلی) تثبیت کرده است؛ مسلم است که ما نسبت به امر خود مختاری بی توجه نبودیم. شورای ملی مقاومت طرح خود مختاری کردستان ایران را تصویب کرده است. این طرح کشور ما را از جنگ های داخلی از این قبیل که در کردستان جریان دارد مصون خواهد کرد. برنامه ی شورا و دولت موقت نیز به سایر

مصاحبه با روزنامه کویتی الانباء

عضو کمیته مرکزی را از دست ندادیم. سرنوشت افتخارآمیز همسر خود مرا نیز که در کنار فرماندهی سیاسی نظامیان به شهادت رسید می‌دانید...

در برابر ندامت دستجمعی رهبران برخی احزاب، خمینی تاکنون جز اجساد رهبران شهید ما چیز دیگری برای نمایش بر روی صفحه تلویزیون نداشته است. نمی‌توان انتظار داشت که مردم به حمایت از رهبران و احزابی برخیزند که با این رژیم تروریستی همدستی نمودند، اگر مجاهدین هم مقاومت نمی‌کردند و با ایران و اعتقاد و آگاهی جان نمی‌باختند هرگز نیروی مهمی نبودند. اما واقعیت چنانکه می‌دانید عکس این است. واقعیتی که نعتیها در ایران بلکه در سراسر خاورمیانه و کشورهای جهان سوم طنین افکن است.

سوال: در مصاحبه‌هایی که با جناح‌های دیگر اپوزیسیون ایران انجام شده است هر جناحی اتفاق نظر داشت که دارای سازماندهی در داخل ایران و تأیید نسبی از طرف اکثریت مردم ایران می‌باشد. در این مورد چه توضیحی دارید؟

جواب: اینکه جبهه‌های اپوزیسیون وجود داشته و سازمان‌هایی در داخل ایران داشته باشند ولی آثار آن را ملت ایران ندیده باشد خارق‌العاده است. ساده‌ترین دلیل را بیاوریم: آیا هیچیک از این جبهه‌های اپوزیسیون که به شما گفته‌اند از حمایت اکثریت مردم ایران برخوردارند فهرستی از نام شهدا و زندانیان خود ارائه کرده‌اند؟ آیا فهرستی از عملیات نظامی خود در ایران به شما ارائه داده‌اند؟ آیا از داخل ایران کسی به آنها اعلام پیوستگی کرده است. بدون این استنادات و دلایل دیگر هرگونه بحثی بی‌فایده است و برای هیچ تحلیل و تفکرایندی سیاسی مفید نخواهد بود. پس بگذارید من از شما بپرسم که این مخالفین کجا هستند؟ و بخصوص ماهیت مخالفتشان چیست؟

ضمناً معقول نیست از مردمی ستمکشیده و مظلوم مانند مردم ایران بخواهیم ۲۰، ۳۰ سال دیگر هم منتظر بمانند تا جبهه‌ی آن مخالفین تقویت شود...

افزاده می‌کنم که نا آنجا که به نیروهای ملی و مردمی مربوط می‌شود اگر با همی دلایل و مدارکی که فوق از آنها صحبت کردم مجاهدین نتوانند کاری بکنند، محققاً در آینده قابل پیش‌بینی کس دیگری هم نخواهد توانست بر آنها پیشدستی کند. یعنی علیرغم آنچه تاکنون درباره‌ی مجاهدین و آلترناتیو مطلوب آنها (شورای ملی مقاومت) گفته‌ام، اگر هنوز در مورد کارآئی ما شک وجود داشته باشد، پس فعلاً چشم دوختن به کارآئی سایرین از اساس بی‌فایده است...

سوال: در پاسخ گذشته‌تان راجع به صدور انقلاب به کشورهای خلیج عربی اشاره کردید. آیا می‌توانید اطلاعات و دلایلی در این مورد ارائه دهید و آیا روند صدور انقلاب متوقف شده است؟

جواب: من به کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس اشاره کردم که روند صدور تروریسم خمینی به آنها همچنان ادامه دارد. این را از خلال نگرش به ماهیت و جایگاه تاریخی رژیم خمینی نیز می‌توان نتیجه گرفت. رژیم دارای نقشه‌های چاپ شده‌ای است که بیانگر نحوه‌ی صدور بااصطلاح انقلاب است. خمینی چنین تبلیغ می‌کند که پس از سرنگون کردن رژیم عراق پاسدارانش به سمت عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس و سوریه و لبنان روی خواهند آورد تا سرانجام از قدس نیز بگذرند.

همچنین طرح‌های دیگری از قبیل ایجاد سازمان‌های مخفی در داخل این با آن کشور برای بخش ایدئولوژی خمینی و تحریک شیعیان و مسلمانان این کشورها به منظور تحت فشار قرار دادن رژیم‌های حاکم (در راستای مقاصد مورد نظر خمینی) در جریان است.

سوال: آیا فکر نمی‌کنید آمریکا به اسرائیل جهت فروش اسلحه‌ی آمریکائی به ایران، چراغ سبز داده است؟

جواب: اسرائیل متحد عینی رژیم خمینی بوده و هنوز هم هست. نقش آمریکا نیز واضح است. مسئولین آمریکائی از کمک نظامی اسرائیل به رژیم خمینی مطلع بودند. به همین جهت از برادران عرب بایستی خواست برای پایان دادن به این امر اقدام کنند.

سوال: چگونه می‌توانیم این خواست را به تحقق درآوریم؟

جواب: ما به اندازه‌ی استطاعتمان اوضاع داخلی و خارجی ایران را روشن نمودیم. مشخصاً نام‌هایی به رئیس و اعضای شورای امنیت و دیگر اعضای شورای امنیت و دیگر اعضای ملل متحد و وضعیت ایران و رژیم خمینی را توضیح دادیم اگر سایرین هنوز چنانکه باید به وضعیت و شرایط مزبور پی نبرده‌اند؛ کشورهای عربی همسایه بایستی این شرایط را بدرستی فهم نموده و آنهایی را که به رژیم خمینی کمک نظامی می‌دهند تحت فشار قرار دهند.

داخلی می‌شود و مأمورین او در این رابطه دست کم دو برابر سربازان موجود در جبهه‌های جنگ با عراق می‌باشند.

ثالثاً: اگر به خمینی امتیازی بدهید او در مقابل بیشتر و بیشتر خواهد خواست. بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت ایران پیوسته به شما هشدار داده‌ام که هرگونه امتیازی به خمینی نعتیها بر علیه ملت ایران است بلکه طبع خود او را نیز بیشتر خواهد کرد.

رابعاً: به وضعیت اقتصادی فلاکت‌بار رژیم توجه کنید. تشدید بحران در این زمینه بخاطر محاصره‌ی دریائی جزیره‌ی خارک از جانب عراق است. خمینی اکنون به برخی شرکت‌های خارجی به قیمت



● مهدی ارفیجانی - ولی البیاض - بنحیت الی وزیر خارجه المشرق العربیة - جنیف لانفاعة بالممول عن زبارة طهران .

سوال: اسلحه برای ایران از کشورهای هم‌پیمان آمریکا یا در بلوک ایالات متحده می‌رسد، پس چگونه می‌توان از این کشورها خواست که سرازیر شدن اسلحه به سوی ایران را متوقف کنند؟

جواب: می‌دانم که تحقق این امر مشکل است ولی اولین نصیحت من به برادران عرب این است که علت و معلول را با یکدیگر اشتباه نکنند. به برادران عرب باید گفت که از خمینی نترسید و دلایل ضعف درونی او را که بصورت توسعه‌طلبی خارجی بروز می‌کند، قدرتمندی او تصور نکنید. خمینی نیرویی نیست که برخی از شما فکر می‌کنید. ادامه‌ی جنگ ایران و عراق و ادامه‌ی جنگ داخلی بر علیه مقاومت با استفاده از سرکوب و ترور و تکیه بر تروریسم خارجی در عملیات بر علیه کشورهای همسایه تماماً آثار ضعف بنیادین رژیم خمینی است.

ثانیاً: به رسمیت شناختن این امر که در ایران مقاومتی مردمی، نیرومند و سازمان‌یافته بر ضد خمینی وجود دارد، چرا که مطابق آماری که دادیم قوای خمینی صرف سرکوب

سوال: آیا می‌توانید این شرکت‌ها را نام ببرید؟

جواب: الان نمی‌توانم نام ببرم ولی می‌توانم بگویم که آخرین قرارداد با یکی از این شرکت‌ها به میزان ۴۰۰ هزار بشکه نفت بوده است.

سوال: آیا جزئیات بیشتری از این قرارداد در اختیار دارید؟

جواب: الان نمی‌توانم این جزئیات را بازگو کنم... بگذارید به ادامه‌ی پاسخ به همان سوال گذشته بازگردیم.

اما اگر خواهان ایستادگی باشید آنگاه بهترین و ثمربخش‌ترین فرصت‌ها را برای مقابله با رژیم خمینی در خواهید یافت.

سوال: آیا می‌توانید منظور خود از فرصت بیشتر و ثمربخش‌تر را توضیح دهید؟

جواب: بله اولاً بایستی از همی جهان بخواهید که رژیم خمینی را "تحریم" کنند. که محققاً به تضعیف او منجر خواهد شد. و این همان پیشنهاد ماست. شما همچنین بایستی جنایات خمینی در داخل ایران را محکوم کنید و نباید چنین بپردازید که خمینی در موضع قدرت قرار دارد. بلکه بایستی به این نتیجه برسید که او فی‌الواقع در موضع ضعف است.

سوال: دلایلی که منجر به ادامه‌ی جنگ ایران و عراق شد، علیرغم وجود فرصت‌هایی برای تحقق صلح عادلانه چیست؟

جواب: همه می‌دانند که بارها فرصت‌هایی برای رژیم خمینی پیش آمد که ضمن آنها می‌توانست به تحقق یک صلح عادلانه با عراق دست یابد ولی او علیرغم قبول صلح‌ها از سوی طرف عراقی آنرا رد نمود. علت این امتناع هماناً ادامه‌ی قدرت خمینی بر اساس پایه‌ی جنگ‌افروزی آن می‌باشد.

(اسناد سری مذاکرات بین رهبران حزب جمهوری اسلامی ایران را از داخل یک پرونده خارج می‌کنند و به ترجمه‌ی برخی پاراگراف‌های این مذاکرات سری می‌پردازد): "اگر در برابر صدام مصالحه کنیم، امید به صدور انقلاب اسلامی که برای ما اهمیت زیادی دارد کاسته خواهد شد. زیرا خلق‌های مسلمان در صورت عدم پیروزی ما مایوس خواهند شد. نیابستی فراموش کرد که مهمترین شرط صلح عدم دخالت در امور داخلی کشورهای اسلامی مجاور می‌باشد. ممکن است این شرط در ظاهر چندان مهم بنظر نرسد. اما همچنانکه اولاف پالمه گفته است این به معنای متوقف کردن جنگ تبلیغاتی بر ضد کشورهای عربی بوده و بایستی هرگونه تحریمات در این گونه کشورها متوقف شود. در سخنرانی‌های مذهبی و محافل رسمی نیابستی موضع خصمانه‌ی بر علیه آنها اتخاذ شود... اما اگر انقلاب اسلامی نخواهد

ملل همسایه را با حقیقت اسلام آشنا کند و به آن کشورها احترام بگذارد، طبیعی است که جنگ با عراق از ابتدا آغاز نمی‌گردد... اما اگر پیروزی نظامی در جبهه‌ها بدست آید و

انتخاب‌های موجود برای متوقف نمودن دیکتاتوری ارتجاعی و قرون وسطائی خمینی چیست؟ یا باید نرم‌تر باشید که در نتیجه کویت باید به رژیم خمینی ببیند و انتخاب دوم اینکه مقاومت و ایستادگی نماند.

ارزیابی در مورد ماهیت سایر رژیم‌ها و دولت‌ها

گفتیم که ما دقیقاً برخلاف خمینی جنگ‌طلب و سرکوبگر از آغاز با صدور ارتجاع و تروریسم و مداخله در امور داخلی دیگران مخالفت ورزیدیم. چرا که انقلاب را اصولاً کالای صادراتی نمی‌دانیم و فکر می‌کنیم هر حرفی هم که داریم اگر جدی است و اگر هزل نیست اول باید در خانه‌ی خودمان اجرا کنیم. به عبارت دیگر میهن‌پرستی و ملی‌گرایی ترقی‌خواهانه‌ی ما ایجاد می‌کند که در دنیای کنونی خود را مقدم بر هر چیز دیگر مقید به نگاهبانی از آزادی و استقلال وطن خود، و نه مسئول رژیم‌ها و دولت‌های سایر کشورها بدانیم. مسئولیت در این موارد به عهده‌ی مردم و میهن‌پرستان و انقلابیون خود همان کشور است. چرا که گفتیم ما باید مقدم بر هر چیز از کانال منافع میهنی و ملی خود عبور کنیم اگر چه بدیهی است که بطور ایدئولوژیک ما به عنوان مجاهدین خلق ایران معیارهای خاص دموکراتیک و استقلال طلبانه و عدالت‌جوانه‌مان را برای ارزیابی ماهوی هر نیرو و حزب و دولت و نظامی در سراسر جهان داریم و از نظر عقیدتی، آنها را با موازین ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استعماری خویش می‌سنجیم. دست‌آخر نیز معیار اخس فلسفی خود یعنی "یگانگی و توحید" را که پوش ایدئولوژیک کلمه‌ی موازین پیشین است، وارد می‌کنیم. ... اما مسئله این است که در برخورد با مسائل و تضادهای مشخص سیاسی چه باید کرد؟ ما می‌توانیم از حالا تا ابد در داخل یا خارج ایران بنشینیم و فقط حرف بزنیم. ... همچنین می‌توانیم ولو بطور واقع‌گرایانه به تشریح و تفسیر جهان و پدیده‌های مختلف آن بسنده کنیم و این برای یک محقق صرف یا روشنفکر محض یا واقع‌نگار صدیق چیز پسندیده‌ای است. ... اما اگر تشریح و توضیح جهان کافی نیست و اگر باید آن را "تعمیر" نیز داد، دیگر باید عمل و حرکت کرد. همه می‌دانند که بسی‌عملی و بی‌حرکتی، هر انقلابی و هر فرد و جریان مسئول را به حد یک واقع‌نگار تنزل می‌دهد؛ چیزی که نیازمند به تشکیل سازمان و اعلام آلترناتیو و پراگماتیک‌ها جنبشی با اینهمه شهید و اسیر نبوده و نیست. بخصوص می‌دانیم

که انقلابی‌گری، درست از زمانی آغاز می‌شود که شناخت‌های واقعی و انقلابی، جامعه‌ی عمل و حرکت برتن می‌کند. اما حرکت کردن و عمل نمودن به معنی برخورد کردن با تضادها و تلاش برای حل آنهاست. همین که وارد مجموعه‌ی تضاد شدید و در برابر مشکلات، مسائل و تضادهای متعدد قرار گرفتید ناگزیر از "اصولی‌فرعی‌کردن" و تعیین سلسله مراتب اولویت تضادها و مسائلتان هستید. آنگاه اگر قانع شده باشید که مصالح میهنی و ملی‌تان به معنی سرنوشت دشمن ضد بشری و استقرار صلح و استقلال و آزادی از اولویت برخوردار است، دیگر مقدم بر هر چیز، مسئول بهریزی و مسئول تحقق دموکراسی و استقلال وطن و پیشرفت جامعه‌تان هستید. بنابراین اگر اصلی و فرعی سرمان بشود و اگر در برج عاج ننشسته باشیم، واقعبان دنیای پیرامون، واقعبان عددی

بکنند. ... پس وقتی که می‌گوئیم مسئله‌ی ما "ایران" است و به آزادی و استقلال و تمامیت و مصالح میهنی و ملی و وطن اولویت مطلق می‌دهیم، دیگر برای شعارهای بی‌محتوا و هزل و توخالی جایی باز نمی‌کنیم. به عبارت دیگر اگر کسی در میان ما هست که مقدم بر همه چیز خودش را در رابطه با سرنوشت میهنش مسئول نمی‌شناسد و فی‌المثل در رابطه با کشورها و مردم عراق یا پاکستان و ترکیه و شوروی و افغانستان، "نورم" احساس مسئولیت دارد، بهتر است سر کار خود بکیرد و برود. چنین آدمی اصلاً برای ما جدی نیست. زیرا در عالم واقع، قصد تضاد حل کردن ندارد. دقیقاً به همان معنا که جریان‌ات و کسانی که در مرحله‌ی مبارزات افشارگرانه‌ی سیاسی، هم‌پای لیبرالی و هم‌پای ارتجاعی رژیم خمینی را یکسان هدف قرار می‌دادند نیز جدی نبودند.

چنانکه می‌دانید همین سازمان مجاهدین به عنوان یک عضو متساوی‌الحقوق، جزئی از "شورای ملی مقاومت ایران" نیز هست و در عین التزام به کلیه‌ی مصوبات و تصمیمات دستجمعی شورا، روابط خاصی خود با تک‌تک متحدینش را نیز دارد. از قبیل رابطه‌ی مجاهدین با حزب دمکرات و رابطه‌ی مجاهدین با جبهه‌ی دمکراتیک ملی و آقای متین‌دفتری و با رابطه‌ی مجاهدین با تک‌تک شخصیت‌های عضو شورای ملی مقاومت. اما همین سازمان مجاهدین و با انجمن‌های هوادار آن به صفت سازمانی خود با بسیاری از احزاب در سراسر جهان نیز رابطه دارند. بدیهی است که رابطه‌ی مجاهدین با شورا (به صفت شورا) و رابطه‌ی مجاهدین با اعضای شورا (به صفت گروهی و شخصی هر یک از اعضا) با رابطه‌ی مجاهدین با احزاب مختلف در سراسر جهان، بنیاداً متفاوت است. فی‌المثل رابطه‌ی سازمان مجاهدین خلق

سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی (قسمت آخر)

ادامه گزارش دیدارهای ۱۲ اردیبهشت

و کمی و کیفی و نیروی، اقتضای خاص خویش را دارد؛ اقتضایش چیست؟ اول خانه‌ی خودتان را باید درست بکنید. آخرشاً که نمی‌توانید در چند جنبه به جنگید کسی که می‌خواهد در ۱۵ جنبه بجنگد فی‌الواقع فقط شعار می‌دهد و حرف می‌زند. فی‌الواقع حتی برای جنگیدن در یک جنبه هم پای او سفت نیست. یادتان هست در گذشته یکی از این جریان‌ات چپ‌نمای اپورتونیستی مدعی بود که در آن واحد هم با مترجمین باید مبارزه نمود و هم با اصطلاح لیبرال‌ها مبارزه کرد و هر دوی این مبارزات را نیز اصلی می‌دانست و به اصل و فرع کردن قضایا نیز معتقد نبود و می‌گفت در آن واحد دو مبارزه‌ی اصلی وجود دارد. ... خوب، در عمل چه شد؟ در عمل دیدیم که پای جریان مربوطه حتی در مبارزه با مترجمین نیز سفت نبود و پیوسته بر سر بزنگاهها در "محظوریت‌خطر" قرار می‌گرفت. حالا هم بحث این است که اگر کسی می‌خواهد از دریا عبور کند نمی‌تواند بدون اینکه دل آب را بشکافد و خودش هم خیس بشود، این کار را

خلاصه اینطور برخوردها برای مسئولیت و با برای خودفریبی اگر چه بد نیستند، ولی برای عمل کردن و برای ایفای نقش مسئول، فایده‌ای ندارند؛ هزل هستند. داشتیم می‌گفتم که ما از موضع ایران و مصالح میهنی و ملی جامعه‌ی خودمان صحبت می‌کنیم. ضمن اینکه از نظر ایدئولوژیک معیارها و ملاک‌های خاص خود را برای ارزیابی هر رژیم و دولت و حزب و جریانی داریم اما خود را مسئول و یا قهرمان نمی‌شناسیم. آخر رابطه‌ی بین دو فرد که هر دو عضو یک سازمان هستند با رابطه‌ی دو فردی که عضو سازمان‌های مختلف هستند، کیفی متفاوت است. کما اینکه رابطه‌ی بین دو حزب در یک کشور واحد با رابطه‌ی دو حزب در دو کشور مختلف نیز بنیاداً متفاوت است. اما از همه‌ی اینها متفاوت‌تر رابطه‌ی بین دو دولت و دو کشور با یکدیگر می‌باشد. روشن است که همه، با سازمان ما، ایدئولوژی ما و خطوط سیاسی ما - به عنوان مجاهدین خلق - بیش و کم آشنا هستند و با موضوعگیری‌های سازمانی ما آشنائی دارند.

ایران با حزب سوسیالیست فرانسه و حزب لیبرال انگلیس و با حزب کمونیست ایتالیا یا سازمان آزادیبخش فلسطین ... حال اگر همین مجاهدین در ارتباطات بین‌المللی خود با احزاب و کشورها و دولت‌های مختلف به اصول و معیارهای عقیدتی یا سیاسی خود پشت‌پا بزنند و خلاصه مواضعشان - مواضع مجاهدین - بوسیله‌ی یک حزب یا دولت یا کشور خارجی دیکته بشود، در اینصورت دیگر مجاهدین سازمان مستقلی نیستند و رابطه‌شان با احزاب و دولت‌ها و کشورهای خارجی، رابطه‌ی سالم، میهنی، ملی و استقلال طلبانه نیست و در اینصورت باید گفت که "وابسته" هستند. چرا که نه بر حسب آرمان‌های میهنی و ملی مردم ایران بلکه در راستای منافع اجنبی (خواه فرانسه، یا انگلیس یا عراق و ...) موضع گرفته و حرکت می‌کنند. اما اگر همین مجاهدین در روابط خارجی و ارتباطات بین‌المللی خود مصالح میهنی خود را پیش بردارند و مضمون رابطه‌ی آنها همان کارها و چیزهایی بوده که می‌دانید - یعنی تلاشی تمام عیار برای نفی شاه و خمینی و اثبات یک ایران و آلترناتیو دموکراتیک

و مستقل، در اینصورت مجاهدین را بایستی نگاهبانان مصالح میهنی و مردمی خلقشان شمرد. پس این، مضمون رابطه‌ی مجاهدین چه با احزاب مختلف در کشور کانادا و چه با دولت‌های مختلف اروپائی و یا عربی است. این امر هم که حزب سوسیالیست حاکم فرانسه یا حزب کارگر و حزب لیبرال یا حزب محافظه‌کار انگلیس با عناصر سلمان و میهن‌پرست و ترقی‌خواه و مجاهد خلق چه اختلاف‌نظرهای عقیدتی و سیاسی دارند، برای ما مطلب ثانوی است. چرا که در اینجا بحث بر سر رابطه بین یک سازمان ایرانی و احزابی در کشورهای خارجی است. چرا که مسئله‌ی ما پیگیری مصالح میهنی و انقلابی - دمکراتیک خودمان است. ... اما گذشته از همه‌ی اینها در دنیای واقعی، رابطه‌ی "دولت با دولت" و "کشور با کشور" نیز مطرح است که مضمون آن پیگیری مجموعه‌ی منافع سیاسی و اقتصادی و امنیتی و نظامی و فرهنگی هر یک از طرفین در ارتباط با یکدیگر می‌باشد. ... حالا می‌خواهیم نتیجه بگیریم که شورای ملی مقاومت و مسئول آن در مجموعه‌ی مسادلات و تعادل قوای منطقه‌ی (منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه) و بین‌المللی به مثابه یک "آلترناتیو" یعنی پادر جای یک "دولت" یعنی به مثابه دولت موقتی در تعمیر عمل می‌کند. یعنی بهترین شیوه و صورت‌بندی سیاسی و جامع‌ترین و مشرشرترین شیوه برای احراز مصالح میهنی و منافع ملی ایران - ایران شاهزده و خمینی‌گزیده - در تاریک‌ترین بحبوحه‌ی تاریخش را در این فرم عمل یافته است. در غیر اینصورت تشکیل شورا و اعلام برنامه‌ی دولت موقت و مشخص نمودن مسئول این دولت از اساس بهبوده و هزل و ناهجا بود. و الاً امضاء بیانیه و تصویب قرارداد صلح با عراق لازم نبود. بگذریم که اگر ما اصولاً آلترناتیو معرفی نمی‌کردیم، خلاصه موجود دقیقاً مطلوب برمی‌شد و تنها چیزی هم که مطرح نبود، وظیفه و مسئولیت نگاهبانی و حراست از مصالح میهنی و ملی ایران بود. درست به همین دلیل، من پیوسته تاکید کرده‌ام که یک روز تاریخ ایران و نسل‌های آینده از تک‌تک اعضای شورای ملی مقاومت بخاطر پایداریشان در نگاهبانی و برجمداری مصالح

سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی

ادامه گزارش دیدارهای ۱۲ اردیبهشت

بقیه از صفحه ۱۲

خوانده‌امید: *أَلَا شَهِيرَانِي*
أَيُّ شَيْءٍ لَكُنَّا فِيهِ حَقٌّ دَقَمْتُ كَمَا عَنَدَهُ؟
 أَمْ أَيْ قِسْمٍ أَشْكَرْتُ عَلَيْكَ يَا...
 (خطبه‌ی ۱۹۶)

"چرا نمی‌گویند که کدام حق را از شما سلب کرده‌ام و کدامین حق شما را نداده‌ام و کدام سهم و بهره و نصیبی بود که برای خود برداشتم و شما را بی‌نصیب گذاشتم..."
 بعد علی (ع) می‌پرسد که آخر ما کجا دمکراسی شما را نقض کرده‌ایم؟ سپس در چند فراز بعدی بر قلب مسئله که همان ساخت و بافت و سیاست اقتصادی - اجتماعی دولت‌نشین باشد انگشت می‌گذارد و می‌گوید:

"وَأَنَا مَا ذُكِرْتُ مِنْ أَمْرِ الْأُمَمِ فَإِنَّ ذَلِكُمْ أَمْرٌ لَمْ أَكْتُمُ أَنَا فِيهِ بِرَأْيِي، وَلَا وَلِيَّتُهُ هُوَ بَشِي..."
 اما اگر منظور آقایان نحوه‌ی تقسیم عادلانه‌ی بیت‌المال (همان سیاست و چارچوب اقتصادی - اجتماعی) است؛ آقایان خاطر جمع باشند که این را هم نه به رای شخصی و نه هوی و هوس بلکه برحسب حکم مشخص ایدئولوژیکی و برنامه‌ی سیاسی انجام داده‌ام.

یعنی آقایان، حقه‌بازی و عوام‌فریبی دمکراسی خواهی‌های اینچنینی ممنوع است و بی‌گارتان ملاحظه می‌کنند! اگر مشروطه و دمکراسی مورد نظر برخی را رعایت نکنید و اگر حاضر نباشید هژمونی و ساخت و بافت اقتصادی - اجتماعی نظم و نظام آینده‌ی جامعه را دودستی خدمتشان تقدیم کنید و همچنین اگر حاضر نباشید در سیاست خارجی نیز مطابق انجمن پیروی کنید، آنوقت مستبد هستید، انحصارطلب هستید، هژمونی‌طلب هستید و...

البته اجازه دهید فی‌الغور از اینکه خودمان را حتی من غیرمستقیم و تلویحی در کفای مقایسه با حضرت علی(ع) بگذارم؛ استفهام نموده و از آستان امیر مومنان پرسوز بخواهم! خدا کند که ما مجاهدین هم بتوانیم بطور تاریخی به همان مسیر تقرب بجوئیم. ضمن اینکه می‌دانیم علی(ع) همان کسی است که وقتی برادرش هم قدری بیش از حد دمکراسی خواهی نمود اخگر

آتش در دستش گذاشت. یا وقتی که یکی از دخترانش ولو با اجازه‌ی حزانه‌دار از یکی از اشیا عمومی بطور عاریتی استفاده‌ی شخصی نمود عیباً برآشت و دختر را بشدت نکوهش کرد...

اما واقعیت تاریخی همین است. یک نمونه هم از زمان خودمان بگویم:

به یاد بیاورید اتهاماتی را که در زمان خودش بر علیه مرحوم دکتر مصدق پیشوای فقید نهضت ملی بر علیه او رواج می‌دادند. حالا را ننویسید که قتل‌های تاریخی او می‌روند زیر عکس عکس می‌گیرند. آخر خیلی از آنهایی هم که می‌خواستند مسیح را نیز به سلب بکشند بعدها کسوت مسیحی به تن کردند... همین‌هایی که امروز به ناحق خودشان را به مصدق می‌چسبانند آن‌وقت می‌گفتند: مستبد است، خودکام است، بی‌انصاف است، منفی‌باف است، کشور را بزودی تسلیم کمونیست‌ها و شوروی خواهد نمود...

حالا می‌بینید آنهایی که امروز دمکراسی و مشروطه و جمهوریتان را از ما می‌خواهند و به ما مارک "مجاهد حزب‌اللهی" می‌زنند چه هفتوا می‌با آنکه می‌گوید "متناقض آمریکائی" دارند. سناریو مشخص است: اول با این حرف‌ها می‌خواهند خلق سلاح ایدئولوژیکی و سیاسی بکنند. بعد قدم به قدم راه برای انواع و اقسام ذبح کردن‌ها باز خواهد شد. اما ما در یک کلام می‌گوئیم که "هر که بدهد جواب ملا راه می‌دهد هم جواب اینها را..."

مدنی پیش با یکی از مدعیان بطور خصوصی گفتگو داشتم عمداً از او پرسیدم که آقای فلانی چرا اینقدر برجسب قدرت‌طلبی و هژمونی‌طلبی به مجاهدین می‌زنند. نامبرده که از قضا خودش هم در این مقوله بد طولایی داشت صمیمانه و با قدری شوخی گفت: آخر چه باید کرد؟! مارک دیگری علیه شما بافت نمی‌شود. بگویند وابسته‌اید، فاسدیده، دزدیده، ناسلمانیید، ... اینها را که کسی قبول نمی‌کند. لیست ۸ هزار شهید دهها هزار زندانی هم که در دست دارید، هرود دخترها پتان هم که از عمل انتحاری هراسی

ندارند... وانگهی امام حسین هم که باشید باز هم دو تا مارک را باید بخورید یکی اینکه "خارجی" هستید، و دیگری خواستار حکومت و نشانه‌ی قدرت... با اینهمه شما خواهران و برادران از ۳۰ خرداد پارسان تا امروز شاهد بوده‌اید که سازمان ناگزیر به شرافتمندانه‌ترین صورت در صدد پاسخگویی به این چنین آزادیخواهی‌های دروغین و ضد دمکراتیک و ضد ملی که قبل از هر چیز درهم شکستن ما را وجهه‌ی همت قرار داده بود برآمد. دستاوردهای انقلابی - دمکراتیک این دوران برآستی در ردیف ارزنده‌ترین، اساسی‌ترین و عظیم‌ترین دستاوردهای کل تاریخ سازمان‌ماست. آنقدر که هنوز زود است به تحلیل ابعاد مختلف آن در راستای مصالح میهنی و مردمی و سرنوشت آینده‌ی خلق بپردازیم. لذا آن را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم. فقط به اشاره می‌گویم و گفتیم که آن خونهای پاک که از آن زمین مجاهدپرور برمی‌خیزد؛ در آسمان جامعه و تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی ما عقیم و بی‌اثر نمی‌ماند؛ بلکه در یک دور تکاملی بالاتر به زمین بازمی‌گردد و ودیعه‌ی قدم‌ها و مراحل بعدی پیشرفت و کمال می‌شود. انه لقول فصل.

بله آنچه رنج و شکنجه‌ها آنچنان نوری از خود ساطع می‌کنند که در پرتو آن در ظلمات خمینی‌گریدگی نیز نمی‌توان به سادگی حرمت "کلماتی" از قبیل نهضت ملی مقاومت؛ ایران! و بسیاری "کلمات" دیگر را سر برید. در غیوب صورت هر کلمه‌ای می‌توانست درست به ضد خود تبدیل شده و در خدمت ضد خود بکار رود. دقیقاً همان داستان مسجد ضرار...

در صدر اسلام مسجد نهادی بود در خدمت پیشرفت اسلام انقلابی و مردمی. بعد یک عده آمدند مسجدی ساختند که در سورمی توبه هم به آن اشاره شده است. مسجدی بر ضد روح و مفهوم مسجد محمدی که پیام رحمت و رهائی ترم می‌کرد. مسجدی به ضرر و زیان: *وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا* مسجدی که بایستی خرابش کرد. نباید گذاشت پا بگیرد. چرا؟ زیرا به قول قرآن کمیگانه‌ی است برای آنها که بر علیه مسیر خدا و خلق حرکت می‌گردند. *إِزْمَادًا لِيُنْزِلَ حَازِبًا لِلَّهِ...*

حالا آیا امروز آزادیخواهی دروغین و ملی‌گرائی آنچنانی نیز کمیگانه و سکوی پرشی بر علیه مقاومت به سود ضدانقلاب غالب با مطلوب نیست؟ اگرچه بقول

قرآن (در ادامه‌ی همان آیه‌ی مربوط به مسجد ضرار) *لِيُحْكِمَنَّ* *إِنَّ أَرْضَنَا لِلَّهِ الْحُسْنَى*: به تاکید سوگند می‌خورند که جز خیر و خوبی و آزادی، هیچ قصد و غرض دیگری ندارند! سوگند می‌خورند که سرپا ملو از حسن‌نیت و حقانیت هستند. و انکار نه انکار که بونی از ضدیت با مجاهدین بردماند می‌خواهند پای آزادی و دمکراسی را قرص و محکم کنند؛ شورا را "شورا" بکنند. و ما هم حسب‌المعمول می‌گوئیم خیلی ممنون! مرا بخیر تو امید نیست شو مریان، واللّٰهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ و خدا گواه است که دروغ می‌گویند والا اینقدر حریم دمکراسی و آزادی و بسیاری کلمات دیگر را مستمرا مخدوش نمی‌کردند. اینجاست که خدا به پیغمبرش هم می‌گوید: *لَا تَقُمْ فِئُو آيَاتَا*: در آن مسجد و در آن موضع ناپست. جای تو نیست. کمیگانه ضدتوست. زیرا که: *أَسْنُ بُنْيَانَهُ عَلِيٌّ شَا جُرُفٌ هَارٍ*: بنیاد و ساخت و بافت آنگونه دمکراسی خواهی که اجر اولش ضدیت با مجاهدین و ضدیت با تنها آل‌متراتبی بود دمکراتیک است بر لب پرتگاه وابستگی و در سراسیم سقط و ضدیت با دمکراتیسم واقعی بنا شده است. والا جای اینهمه طعن و لعن و صفحه گذاشتن و رُقمه پر کردن بر علیه ما دست‌میزادی نیز به نیروهای مقاومت می‌داد.

تشدید تضادهای فرعی

بر علیه مبارزه اصلی

و الزام اجتناب ناپذیر آن

گاه از ما می‌پرسند مگر پرداختن به این مسائل فرعی نیست؟ مگر حالا موقع انگشت گذاشتن روی این تضادهاست؟ ما می‌گوئیم بله به نسبت مبارزه با دژخیم بزرگ جباران این تضادها فرعی است. از نظر تئوریک و مجرد از پراتیک مبارزاتی روزمره نیز، فرعی است. این نیز مسلم است. که بدلیل جوخه‌های اعدام و اتاق‌های شکنجه و سلولهای ملو از خواهران و برادرانمان، امروز در محنه‌ی سیاسی، هیچکس مشتاق‌تر از ما نیست که همه‌ی انرژی‌هایش را در مسیر مبارزه‌ی سیاسی - نظامی ضد ارتجاعی مصرف کند. علی‌الاصول ما پیوسته همین را خواستیم. بهمین دلیل در آرزوی این بودیم که همه‌ی مدعیان ما را به حال خود وامی‌گذاشتند و بعد بنال تبلیغ برای خودشان و با ساختن آل‌ترناتیوهای مطلوب خودشان می‌رفتند. اما چه بکنیم که به

جای حمایت و یا دست کم به جای بی‌طرفی، پیوسته بر سر راه ما ظاهر می‌شوند و تضادهای فرعی را علیه ما تشدید می‌کنند. و خلاصه مانع راه می‌شوند. ولو که خودشان کتا و کپا چیزی نیستند ولی قضا را مسوم می‌کنند و همچون تک مزاحمانی که با شلوغ کاری و سد معبر، یک تنه نیز می‌توانند عبور و مرور یک خیابان را بهم بریزند؛ چوب لای چرخ می‌گذارند.

نمونه‌های مشخص را می‌گذارم تا انشاء الله بعداً بیان بشود. اما هم اکنون برای ثبت در سینه‌ی تاریخ نیز فقط اشاره می‌کنم که در پس خیلی از این چهره‌های بظاهر دمکراتیک و ملی‌گرا که بعضاً بسیار هم دم از آداب و اخلاق و... می‌زنند طبیعت‌های ناصادقی نهفته است که کمتر فرصتی را علیه ما (چه آشکارا و چه در خفا) فروگذار می‌کنند. گاه در نزد هر ایرانی و خارجی تا هر کجا که تفتشان برسد علیه شورا و علیه مجاهدین - حتی در جزئی‌ترین مسائل، تفتین می‌کنند - و خلاصه پیامشان این است که:

— من آنم که اگر مجاهدین روی کار بیایند، باج به کمی نخواهند داد.

— من آنم که اگر مجاهدین روی کار بیایند دمکراسی اخیری نیست.

— من آنم که...

در سال‌های ۵۲ تا ۵۶ مگر ما با اهورنویسنه‌های چپ‌نما کاری داشتیم؟ می‌گفتیم آقایان تغییر ایدئولوژی داده‌ای، برای خودت مبارک. بلندشو برو سازمان خودت را با معیارهای خودت تشکیل بده و حرکت کن. از تو بخبر و از ما سلامت. ولی مگر چپ‌نمایان برای چند سال برمی‌داشتند؟ خیرا به نسبت مبارزه‌ی عمومی بر علیه دیکتاتوری شاه، تضاد ما با آنها فرعی بود ولی آخر، دست از یقه‌ی ما بر نمی‌داشتند. ناگزیر ما باید با یک مبارزه‌ی مطلقاً سالم‌ت‌آمیز سیاسی، این مانع را کنار می‌زدیم و این بود که "اصح" سازمان طبق بیانیه‌ی اعلام هویت در دستور کار روز قرار گرفت. منظور این است که تا آنجا که به ما مربوط است، ما تضاد و مبارزه‌ی اصلی، خودمان را فراموش نکرده‌ایم. و نمی‌توانیم فراموش کنیم. درست بهمین دلیل گاه ناگزیر وقتی که دیگر سلامت فضای تنفسی سیاسی ضروری است، مجبوریم که با حداقل پاسخگویی لفظی و کلامی، مانع را از سر راه خودمان

پیام تشکر برادر مجاهد مسعود رجوی

بهمناسبت برگزاری موفقیت آمیز "هفته شهدا و زندانیان سیاسی" در داخل کشور و تظاهرات جهانی ۳۰ خرداد

بقیه از صفحه ۲

اورد. مانند و تشکر کنیم. گواهی که بدین است دفاع از زندانیان سیاسی و مجیدین از شهدای بخون خفته راه آزادی، وطنه ای نه فقط ملی و ایرانی بلکه بشری و بین المللی است و مسلم است که تمامی حمایتها و همکاریهای صمیمانه ای که در این رابطه شار شده از سوی کشورهای مختلف و منفالی و چشمه گرفته است.

می گویم. بدون شک، طلب توجهات مردم ایران و جهان نسبت به شکنجه ها و اعدام های روزمره در ایران و شرایط وحشتناک و غیرقابل تصور زندان های خمینی و برانگیختن افکار عمومی و محافل مختلف بین المللی، یک وظیفه سرب و بسیار ضروری است که باید آن را در آینده هر با تمام برآورد داد.

دیدار لرد جان مک نر با برادر مجاهد مسعود رجوی

بقیه از صفحه ۲

تظاهرات ۳۰ خرداد/۱۳۶۰ و "نقض مستتر حقوق بشر در ایران" توسط رژیم خمینی را محکوم و از "فلاش های مردم ایران برای استخوان دگرگونی صلح و حقوق بشر بهره گیری شورای ملی مقاومت و سازمان معاهدین خلق ایران" اعلام حمایت نمود.

سخنرانی سناور آمریکایی و پیام پراکنش بیان در مجامع سیاسی

بهمناسبت سالگرد ۳۰ خرداد

روز گذشته که در ۱۰ خرداد (۳۰ خرداد) در آمریکا، کانادا، اروپا، آسیا، آفریقا و سایر نقاط جهان، تظاهرات و سخنرانی های گوناگونی در حمایت از زندانیان سیاسی و مجیدین ایران برگزار شد.

مبارزه مردم ایران مبارزه برای نجات حقوق بشر و استقلال، آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت، امنیت و رفاه است. مبارزه برای برقراری حکومتی است که حقوق ملی مقاومت در آن برقرار باشد.

گزارش مراسم "بزرگداشت ستاوست در کردستان ایران"

بقیه از صفحه ۳

مبارزه مردم ایران مبارزه برای نجات حقوق بشر و استقلال، آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت، امنیت و رفاه است. مبارزه برای برقراری حکومتی است که حقوق ملی مقاومت در آن برقرار باشد.

آقای رئیس، اما چه کاری انجام شده است؟ از حمام خون ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ تاکنون کابوس هولناک خمینی ادامه داشته است. در عرض این ۳ سال بیش از ۴۰/۰۰۰ نفر قتل رسیده اند و ۱۲۰/۰۰۰ نفر دیگر زندانی شده اند و اعدام های دسته جمعی مروجی یافته است. چند هفته قبل بیش از ۴۰۰ زندانی در زندان اوین تهران در مقابل حوچه های اعدام قرار گرفتند. شکنجه های وحشیانه با تکیه ها و وسایل جدید برای شکنش مقاومت زندانیان بکار رفته است. زندان های جدیدی ساخته شده اند و زندان های کنونی گسترش پیدا کرده اند. در مقابل سخن های غم انگیز حقوق بشری و سوله ی رژیم خمینی مقاومت ایرانی تحت رهبری سازمان معاهدین خلق ایران رشد پیدا کرده است. سازمان معاهدین، با قرار گرفتن در محور مقاومت سراسری، نیروی ملی مقاومت را تأسیس کرد و تمامی نیروهای ملی گرا، مردمی و سرزمینی ایران را برای پیوستن به آن (نیوز) دعوت کرد.

آقای رئیس، اما چه کاری انجام شده است؟ از حمام خون ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ تاکنون کابوس هولناک خمینی ادامه داشته است. در عرض این ۳ سال بیش از ۴۰/۰۰۰ نفر قتل رسیده اند و ۱۲۰/۰۰۰ نفر دیگر زندانی شده اند و اعدام های دسته جمعی مروجی یافته است. چند هفته قبل بیش از ۴۰۰ زندانی در زندان اوین تهران در مقابل حوچه های اعدام قرار گرفتند. شکنجه های وحشیانه با تکیه ها و وسایل جدید برای شکنش مقاومت زندانیان بکار رفته است. زندان های جدیدی ساخته شده اند و زندان های کنونی گسترش پیدا کرده اند. در مقابل سخن های غم انگیز حقوق بشری و سوله ی رژیم خمینی مقاومت ایرانی تحت رهبری سازمان معاهدین خلق ایران رشد پیدا کرده است. سازمان معاهدین، با قرار گرفتن در محور مقاومت سراسری، نیروی ملی مقاومت را تأسیس کرد و تمامی نیروهای ملی گرا، مردمی و سرزمینی ایران را برای پیوستن به آن (نیوز) دعوت کرد.

آقای رئیس، به سال بعد ما این کشور عمائیکر مردم بیگناه را بیاد می آوریم (مخاطر می آوریم). ما این سخن های حقوق بشر را یاد می آوریم. به همین خاطر ۲۰ ژوئن به عنوان "روز شهدا و زندانیان سیاسی در ایران"

فعالیت‌های بین‌المللی شورای ملی مقاومت

شماره ۲۲۰ - شماره ۱۰ - ۱۹۸۲/۱۰ - ۱۹۸۲/۱۰

پیام جرج مک‌گاورن از رهبران حزب دمکرات آمریکا به برادر مجاهد مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

که ایرانی‌ها به ما بشاید سرزمین آزادگان و مهد دلاوران نمی‌نگرند، بلکه ما را بعنوان سردمداران و اجداد پلیس مخفی متلورشان و دوستان قلبی و بسیار نزدیک شاه متفورشان می‌شناسند...

"چرا ایرانی‌ها اینقدر از ما نفرت دارند؟" چنین گفت: "اگر نمی‌خواهیم تاریخ ضد آمریکا گراشی مردم ایران را در سایر نقاط جهان تکرار کنیم، باید آبخشورهای تاریخی آنرا بیاد داشته باشیم. باید بیاد بیاوریم که پس از جنگ جهانی دوم سازمان سیا برای سرنگونی دولت مردمی ایران و اعطای قدرت استبدادی به شاه، پشت پرده دست‌اندرکار شد. و باید بخاطر بیاوریم که پلیس مخفی مخوف شاه هر نوع مخالفتی را با کشتار و حبس و شکنجه سرکوب می‌کرد. پس جای تعجب نیست

جرج مک‌گاورن از شخصیت‌های شناخته‌شده و معروف حزب دمکرات آمریکا است که قبلا طی چند دوره سمت نمایندگی مجلس سنای این کشور را عهده‌دار بوده است. او در انتخابات سال ۱۹۷۲ از جانب حزب دمکرات بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نمود. مک‌گاورن از جمله شخصیت‌های آمریکائی است که با حاکمیت دیکتاتوری شاه نیز مخالفت کرده بود. او اخیرا در یکی از سخنرانی‌های خود در همین باره، و در جواب به این سوال که

ملاوه بر ۵۹ تن از سناتورها و نمایندگان کنگره آمریکا که اسامی آنها در نشریه مجاهد شماره‌های ۲۰۹ و ۲۱۳ اعلام گردید، آقای جرج مک‌گاورن کاندیدای سابق ریاست جمهوری آمریکا از حزب دمکرات و ۲۲ تن از نمایندگان مجلسین سنا و کنگره آمریکا، طی نامه‌هایی خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی، ضمن محکوم کردن سیاست جنگ‌افروزان و ضدبشری خمینی، حمایت خود را از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت اعلام نمودند.

پیام فرانک هورتون، رئیس هیئت نمایندگی حزب جمهوریخواه از ایالت نیویورک در مجلس نمایندگان

آقای فرانک هورتون ریاست هیئت نمایندگی نمایندگان جمهوریخواه از ایالت نیویورک (۱۴ نماینده) را عهده‌دار است. او همچنین پرباشنده‌ترین نماینده از این ایالت محسوب می‌شود که از سال ۱۹۶۲ تا بحال عهده‌دار سمت نمایندگی بوده است. متن پیام به شرح زیر است:

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت آقای رجوی عزیز! با احترام عمیق و تحسین، من از تلاش‌های شورای ملی مقاومت برای مخالفت با نقض نفرت‌انگیز حقوق بشر حمایت می‌کنم. بخاطر مبارزه‌ی شجاعانه و همه‌جانبه‌ی شما در مقابل وحشیگری‌های آیت‌الله خمینی است که مردم ایران می‌توانند کماکان امید به برپائی حقوق بشر تحت حاکمیت دولتی دمکراتیک در ایران داشته باشند. تلاش‌های شجاعانه‌ی شما توجه جهان را به روی وحشیگری و ترور رژیم خمینی متمرکز کرده است. حالا برای همگان روشن شده است که تنها شیوه‌ای که برای استمرار حکومت مخوفشان دارند، خونریزی و خفقان است. متحد با شما، ما نیز اکنون به آیت‌الله‌الخطار می‌گوییم که ۴۰ هزار اعدام و ۱۲۰ هزار زندانی نمی‌تواند خواستنی ایرانیان برای آزادی و سرفه‌اسامی را خاموش و ساکت کند.

من تحسین خود برای تلاش‌های شجاعانه‌ی شما را، همچنانکه فعالیت‌هایتان را مبنی بر دستیابی به اهداف صلح، بهررفت و دمکراسی در ایران دنبال می‌نمایید، تقدیم می‌کنم. با بهترین آرزوها - خالصانه فرانک هورتون

عدم تحمل اختلاف‌نظرهای سیاسی و مذهبی و نقض حقوق بشر ثبت شده تحت حاکمیت رژیم خمینی برای آمریکائی‌ها و دیگر ملل جهان نفرت‌انگیز است. من مایلم که حمایت خود را از اهداف سازمان شما برای صلح و دمکراسی در آن سرزمین آشفته اضافه نمایم. خالصانه جرج مک‌گاورن

۶/ سپتامبر/ ۱۹۸۲
آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت آقای رجوی عزیز! من کوشش‌های مستمر شما، برای متمرکز کردن توجه جهان به رنج‌های مردم ایران را تحسین کرده و خصوصا به آن شهروندان شجاع ایرانی که در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ در مخالفت با رژیم خمینی دست به راهپیمائی زدند، درود می‌فرستم.

اسامی سایر نمایندگان کنگره آمریکا که با ارسال پیامها و نامه‌های مشابه به برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت حمایت خود را از مقاومت عادلانه مردم ایران علیه رژیم سرکوبگر و جنگ‌افروز خمینی اعلام نموده‌اند

پیام سناتور کوشنرین - آن - بردیک از ایالت داکوتای شمالی به برادر مجاهد مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت آقای رجوی عزیز! بدین وسیله من شورای ملی مقاومت را بخاطر کوشش‌هایش جهت جلب توجه جهان به نقض وحشتناک حقوق بشر توسط رژیم خمینی تحسین می‌کنم. جنگ بین ایران و عراق هر روز در اخبار است، اما توجه بسیاری به وضعیت غم‌انگیز داخل ایران داده شده است. جامعه بین‌المللی بایستی نسبت به از دست رفتن جان خیل عظیم انسان‌های تحت سلطه‌ی خمینی یعنی ۲۰۰۰۰۰ نفر در عرض ۴ سال گذشته آگاه شود. اعدام و سرکوب جاری توسط رژیم ایران مقاومت را عطفی بسیار خطرناک می‌کند. اما علیرغم آن، هزارها ایرانی خود را وقف مبارزه برای آزادی می‌کنند. شورای ملی مقاومت روح و شهادت مردم ایران را مجسم می‌کند و من به این شورا برای تلاش‌های بی‌وقفه‌اش برای تحقق صلح و عدالت در ایران درود می‌فرستم. با احترامات دوستانه - خالصانه کوشنرین - آن - بردیک

- سامور والسرودی - هیالستون، از ایالت کنتاکی
- بروس ای - موریسون، نماینده‌ی کنگره از ایالت کانکتیکت
- مارتین اولو سائو، نماینده‌ی کنگره از ایالت مینه‌سوتا
- رابرت کاربیا، نماینده‌ی کنگره از ایالت نیویورک
- نورمن دی - دیکس، نماینده‌ی کنگره از ایالت واشنگتن
- بیل هستر، نماینده‌ی کنگره از ایالت کارولینای شمالی
- دان برتن (جمهوریخواه)، نماینده‌ی کنگره از ایالت ایندیانا
- چارلی رز، نماینده‌ی کنگره از ایالت کارولینای شمالی
- موریس ک - بودال، نماینده‌ی کنگره از ایالت آریزونا
- بریل اف - آنتونی، نماینده‌ی کنگره از ایالت آرکانزاس
- اد جنکینز، نماینده‌ی کنگره از ایالت جرجیا
- کلود دی - پیر، نماینده‌ی کنگره از ایالت فلوریدا
- روی دای سون، نماینده‌ی کنگره از ایالت مریلند
- روبین تالون، نماینده‌ی کنگره از ایالت کارولینای جنوبی
- پیتراچ - کاسنمایر، نماینده‌ی کنگره از ایالت پنسیلوانیا
- رابرت جی - مارزک، نماینده‌ی کنگره از ایالت نیویورک
- جیمز اف مک نالتی، نماینده‌ی کنگره از ایالت آریزونا
- جیمز ال اوبراستار، نماینده‌ی کنگره از ایالت مینه‌سوتا
- ویلیام اچ - گری، نماینده‌ی کنگره از ایالت پنسیلوانیا
- آگوستین اف - هاوکینز، نماینده‌ی کنگره از ایالت کالیفرنیا

سوز و گدازهای ضد انقلابی و مواضع مشترک ضد انقلاب غالب و مغلوب و اپورتونیست‌های راستگرا علیه مجاهدین
در قبال پیروزی‌های دیپلماتیک شورای ملی مقاومت در سطح بین‌المللی

بعناقتاد آقایان این عکس‌ها مدارک جرمی هستند که فردا باید "از کارگران" پنهان‌شان کرد! اغافل از آنکه اگر واقعا فردائی باشد و دادگاهی و خلفی سوال اول همان کارگران از خود ایشان است که آقایان در روزهایی که خمینی صدتا صدتا مجاهدین را تکه پاره می‌کرد و میلیشیاهای مجاهد خلق خیابان‌ها و کوچه‌های سراسر ایران را از شعار مرگ بر خمینی پر می‌کردند معنیت بفرمائید شما چه می‌کردید؟ و زمانی که ارتجاع حاکم و پستی‌مانده های شاه و خمینی و راست‌ترین محافل امپریالیستی، مهمترین و مبرم‌ترین هدفشان درهم شکستن شورای ملی مقاومت و مجاهدین بود شما چه هدفی را دنبال می‌کردید؟ و آیا پاسخی هم به همسویی و اشتراک عمل کنونی خود با آنها در این زمینه خواهید داشت و بالاخره اینکه وقتی از شما خواهند پرسید که موضعان در قبال مبارزه‌ی انقلابی سلحخانه‌ی سراسری بر علیه رژیم ضدبشری خمینی ویرجمداران این مقاومت جز مخالفت خوانی و مارک تروریستی زدن چه بود؟ چه پاسخی خواهید داشت؟

اما اگر از "قمیز"های مضحک کومله بگذریم، این جماعت هم بیشتر از اقلیت چیزی برای گفتن ندارد. و در پس تمام انشاء نویسی‌ها و فحاشی‌های او، علاوه بر توهم بسیار عمیق و ساقیه‌دار نسبت به خودش (نشانی از عقده‌ی حقارت مزمن و گشوده‌ناشده) ماهیتی راست، در ضدبشی آشکار و بدون پرده با مشی انقلابی سلحخانه نهفته است. بقیه‌ی شعر و شعارها هم، ولو از هر جمله و سطرش یک کلمه‌ی "پرولتاریا" و "سوسیالیزم" و "بریزد، چیزی جز کوشی مذبوحانه برای رنگ آمیزی این اپورتونیسم ناب و خالص و عمیقاً راست نمی‌باشد. حال با توجه به این اصل اساسی - یعنی مبارزه‌ی سلحخانه‌ی انقلابی - به موضعی‌گیری‌های کومله توجه کنید تا کاریکانورهائی که کومله در سراسر انقلاب و پرولتاریا و مبارزه با امپریالیسم ارائه می‌دهد اندکی باعث انبساط خاطر تان گردد.

آری اینزوله کردن خمینی نزد افکار عمومی جهانیان و بدست آوردن پیروزی‌های دیپلماتیک و عقب راندن خمینی و اعوان و انصارش از پهنه‌ی سیاست بین‌المللی "مشاهده‌گری و توجیحانه‌ی امپریالیسم" نیست بلکه این موضعی‌گیری‌های بغایت ضدانقلابی اشغال اقلیت و کومله است که بسا فراتر از مشاطه‌گری امپریالیسم عملاً پادوشی تبلیغاتی دواآتشه و به سهم خود عامل

اکنون آنها دعاوی مضحک و سخرویی حضرات به گویاترین وجهی همین "بوت" بودن آقایان از مسائل مبرم و وظایف اساسی انقلاب میهنان و برخورد راست‌روانه با مسائل آن که در زوئوق چپ پیچیده شده است نیست؟ در غیر اینصورت کتمان و قلب واقعیات - آنهم تا این حد - از چه چیزی ناشی می‌شود؟ برای اینکه مسئله بیشتر روشن شود به ۲ نمونه‌ی دیگر از افاضات حضرات توجه کنید:

پیشبرد ضد مردمی‌ترین مظالم و هدف‌های ضد انقلاب غالب و مغلوب و راست‌ترین محافل امپریالیستی است. آری این جماعات علی‌رغم تمام زور زدن‌های چپ‌نمایانه‌ی خود نمی‌توانند دم خروس همسویی عملی خود با عقب‌مانده‌ترین و ارتجاعی‌ترین جریان‌های ضد انقلابی را پنهان کنند و مجاهدین نیز در حقانیت راه خونباری که برای آزادی خلق و استقلال میهن برگزیده‌اند لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد. چرا که بقول برادر مجاهد مسعود رجوی در پیام آغاز به‌بستن سالگرد سازمان:

"از سوی دیگر این حقیقت پایه‌ای را نیز نباید فراموش نمود که آن نیرو یا آلترناتیوی که مبنای پیشرفت‌های خود را بر مبارزه‌ی انقلابی سلحخانه

استوار نموده و از استراتژی قیام سلحخانه‌ی مردمی پیروی می‌کند و آن نیرو و آلترناتیوی که در مسیر احراز حاکمیت مردمی ناگزیر از میان توده‌های مردم ایران عبور نموده و خونبهای سنگین آنرا نیز هر شب و هر روز پرداخته و باز هم می‌پردازد؛ نه فقط بطور ماهوی در معرض زدوبندها و ساخت و پاخت‌های امپریالیستی نیست و نمی‌تواند باشد بلکه به دلایل متعدد سیاسی، استراتژیکی، اجتماعی و طبقاتی، اصیل‌ترین راه ملی و حقیقتاً دمکراتیک سرگونی دشمن ضدبشری را برگزیده است. اگرچه جای شرح و بسط این حقیقت در اینجا نیست، اما تأکید می‌کنم که دیپلماسی انقلابی ما خود سلازم با استحکام در اصول استراتژیکی

و سلازم با پیش بردن و به نتیجه رساندن همان خط‌مشی مردمی و انقلابی است. و الا با یک چنین پایه‌ی اجتماعی و ساخت تشکیلاتی و با تکیه به استراتژی قیام سلحخانه‌ی مردمی، چنانچه دیپلماسی خود را تعطیل نموده و دعاوی با اصطلاح آلترناتیو با اصطلاح پرولتاری را در فرم‌های دیپلماسی جدی بگیریم، معلوم می‌شود که در محتوای استراتژیکی خود تزلزل و تردید داریم و از استحکام و جدیت لازم برخوردار نیستیم و لذا دیر یا زود بایستی مشی سلحخانه‌ی انقلابی را نیز همانند جماعت مورد بحث ببوسیم و به کناری بگذاریم، و این هم یعنی اپورتونیسم و انحراف آشکار به "راست" و همسو شدن عملی و عینی با راست ارتجاعی.

سوز و گدازهای ضد انقلابی... سال اول - شماره ۱۱... ۲۵ مرداد ۱۳۶۳... حزب کمونیست ایران

سوز و گدازهای ضد انقلابی... سال اول - شماره ۴... ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۳... حزب کمونیست ایران